

دعای دوایتین روس و انگلیس را در عدم دخالت بامور داخله ایران ، و ثابت میکند حاکم حاکم دولتین را از شاه ، و محقق میدارد اغفال آنها را در حق ملت ، امیدواریم که جناب مصمص السلطنه اعتنا این توصیه ها نه فرماید ، چنانچه غیرت مندان تبریز نکرده و بمرکب مقصود هم سوار گردیدند و حال آنکه تبریز سرحدیت داشت و اصفهان سرحد نیست و بی- بداند که دولتین در علیه ایشان موتی از ماست نه تواند کشید

(تلگراف تبریک بجناب اجل مصمص السلطنه)

(حکمران اصفهان دام اقباله العالی)

جناب اجل آقای مصمص السلطنه حکمران اصفهان دام اجلاله - اقدامات ملت پرورانه حضرتعالی را تبریک میگویم ، تشکیل انجمن ولایتی و وقایع حقوق خارجه لازم منتظر بشارت اقدامات وطن پرورانه میباشم

(جواب جناب اجل مصمص السلطنه)

(از اصفهان)

شهر منظم ، انجمن تشکیل ، اجاب محفوظ ، منتظر همرای (مصمص السلطنه)

(تلگراف حضرات آیات الله از نجف اشرف)

(باصفهان بذریعه اسلامبول)

انجمن سعادت ایرانیان - تلگراف مبشرانه اقدامات جناب اجل مصمص السلطنه و مضمون تلگراف خود شان رسید ، این مضمون را بخاره نمایید

اصفهان جناب اجل اکرم مصمص السلطنه بختیاری دام نصره - اقدامات اسلام خواهانه در احراء احکام شرعیه و طرد حکومت ظالمه و قیام بوظایف معدلت و تشکیل انجمن ایالتی موحح کمال مسرت - نصرت آن جناب و تأیید مجاهدین اصفهان را مسئلت و حفظ و حمایت هموم اهالی و اطراف را از قوت آنجناب خواستگار و در همه قسم مساعدت مجدها حاضریم

محمد کاظم الخراسانی - عبدالله اللارندران

(تلگراف تبریز باصفهان از طریق اسلامبول)

اسلامبول انجمن سعادت - اصفهان - آقای

مصمص السلطنه بجاوئت د-قی که مر دوستان را دوی دل و روح است و اطام فرستاده از اقدامات پیورانه

جنابالی و هموطنان متشکر ، امیدواریم . در سایه این اتحاد حق پرستانه وطن و انای وطن را از اسارت سلطنت جابره برهیم قوه احرار در تزیاد و به همه نوع معاونت حاضریم ، در محبت تمامی نقاط بذلمت نمایند نصر کم الله کیلان - مارندران - استراماد هموم قیام (انجمن ایالتی)

(تلگراف از اسلامبول باصفهان)

حضرت اجل مصمص السلطنه - قوییه انجمن (ایالتی) عهد شریف مبارک - خراسان - طوالش - استراماد - غلبه قطعی ، دره - سیلای تبریز از ضمنی ارومبه تاشمال اردیل - در تدارک رفیق طهران - فرمانرما مأمور اصفهان راهش مدهید - قرب حیلهایش بخورید - تهدیدات سفرا اعتنا مفرطند - متصلا تلگرافید بجهت تبریز سلام مخصوص دارند (انجمن سعادت)

(تلگراف انجمن سعادت به حضرات)

(حجج اسلامه نجف اشرف)

صورت تلگراف انجمن ایالتی تبریز - در خصوص انقلاب خراسان فی (۲۱) ذیقعدة (۱۳۲۶) وارد شده (اسلامبول انجمن سعادت) خلاصه تلگراف خراسان عیناً درج و به نجف اطلاع واقدام فوری لازم (انجمن ایالتی)

هموم علماء و اهالی خراسان ، اجرایی احکام حضرات حجج در مسجد جامع متحصن ، نجف ابلاغ دارند

(جواب حضرات آیات الله نجف اشرف)

اسلامبول انجمن سعادت - تلگراف هیجان خراسان و تحسن علماء اعلام و اقدام آنها در اجرای احکام که تکلیف هر مسلم است و اصل ، از جانب ما به آنها اعلام نمایند که باتمام ثبات قلب قلع و مع مواد ظلم و استبداد را هم فرائض شمرند ، ماو هموم ملت هم تا آخر نفس باتمام قوت مساعد و طالب نصرت اند و وجوب دفاع بیدیشان را به هر نقطه ممکن است ابلاغ دارند اخبار جدید را اطلاع دهید

عبدالله مارندران - محمد کاظم الخراسانی

(واقعات طهران)

روزنامه ترقی مینویسد از روزی که مجلس ملی منهدم شد اهالی طهران در مقابل ظلم های نظامی شاه صبر

کرده بهیچ وجه بمقام مطالبه حقوق ملیه بر نیامده . تا اینکه مظفریت ستارخان بی دربی بگوش آنها رسیده کم کم حس و امیددی در جسم و روح شان پیدا گردیده گشاد مجلس ملی را علناً از شاه خواستگار آمده هرینه در این باب نوشته بشاه قدیم کردند . بمجرد خواهن ، شاه حکم داد که صاحبان امضای عرضه را دستگیر نمایند این خبر قبل از احرری حکم بصاحبان امضا رسیده . سفارت خاسپاسی احنیه و حضرت عبدالنظام بناهنده شدند ، فقط در سفارت عثمانی چهار صد نفر بناهنده است امضا کنندگان عرضه بالغ بر هزار نفر بوده ، همینکه شاه دید فحلت شده امیر بهادر را مأمور کرد که بشرط تأمین جان و مال ملتبی ها را بیرون بیاورد متحصنین قبل از اعلان انتخابات و یا اینکه پیش از ورود قشون ملی تبریز بطهران از سفارت بیرون نیامد نشانرا در صورت قطعی اظهار داشتند ، تمام تجارت خانه ها تعطیل سیاسی دارند ، شامیکه از قوه عسکریه محروم است ایلات و حتی واهلت مسلط کرده شهرها و قراه را بید قاسبا آنها بدون مسئولیت می سپارد ، از این جهت در استرآباد است که اهالی سخت قیام کرده طلب حقوق قاسبه خودشانرا میکنند حاکم ایلات ترکمان متوسل شده الحقیار مال و جان اهالی - استرآباد را ایشان تسلیم نموده ، و مقام خودرا با نوب ما محکم کرده صدایش بیرون نیاید ، و هر روز باوجوب اینکه شهر توب وجه خانه وارد میشود اهالی از حصول حقوق خود باز نیامده بر شدت انقلاب شان می نزاید محرز از ارك حكومتی تمام شهر در تحت تصرف مشرطین میباشد از یکطرف هم بجهت ایتباع اهلش و غیره در کمال سرگرمی مشغول جمع آوری اطام هستند

دیلی تلگراف می نویسد که شاه

بافتتاح پارلمان با شرایط ذیل راضی است :

- (۱) مطبوعات آزاد نباشند
- (۲) انجمن ها و اجتماعات بکلی موقوف باشد
- (۳) در پارلمان انعقاد مجالس سری نشود
- (۴) مذاکراتی که در مجلس بشود روزنامه ها قبل از اجازه شاه طبع نمایند
- (۵) متحصنین از سفارت خانه ها بیرون بیایند

شیخ فضل الله باهم افکارهای خودش در مسجد جدالوله کوشش دارند صکه مردم را با موهظه از مشروطه طلبی و حریت خواهی بر گردانند

رئیس ایل شاهسون بقادای را شاه بجهت فرستادن تبریز محضور خواسته مقصودرا تکلیف نمود رئیس موصوف بطور قطعی انکار کرده و اظهار داشت که نظر محکم محکم مجتهدین عظام و قسی که در اول انعقاد مجلس شهری ملی خورده ام ابدأ فیتو ام به تبریز رفته جزو محاربین با امام زمان محسوب شوم صر همان روز رئیس مزبور را بخصاً حاجب الدوله فرایشانی طلبیده بعد از صرف چای و قهوه تجزی در مراجعت بمنزلش فوت نمود

معلوم می شود قصد جانی که میکوشند نسبت بشاه شده بود در روری وده که مجلس شورای درباری رفته در اطاق مخصوصی که برای وی حاضر شده بود این قضیه واقع شده است

قشون محافظ که در باغ شاه بودند از رفتن فرج آباد امتناع نموده جبهه هم نرسیدن مواجب آنهاست و حال آنکه قزاق ها ماه بام مواجبتشانرا از انگ استقراضی تا دینار آخر میگیرند ، و این سبب شده که سوارهای شاهسون و افواج کراز و فرهان و سلاخوری از محافظه فرج آباد امتناع نموده اند . حالا فقط محافظ شاه منحصر قزاقی است ، از بی پولی شاه و اطرفهای او را تشویش و اضطراب کلی حاصل آمده ، فقط امیر بهادر را از پول پیدا کردن هنوز قطع مید نشده است

شاه حکم داده که هرکس خبر آمدن ستارخان را در طهران اشاعه دهد گرفتار در عین مقصرین سیاسی حبس نمایند ، ولی افسوس که این خبرها از منابع موثوقه که در سفارت خانه ها نشت اند بیرون می آید شاه میخواهد که مردم حلی باید که آمدن ستار خان بطهران دروغ است ، نظر باین خیال در اطراف طهران گشت و فرج میباشد قزاقی ها تا بصد قدم بکالسه مانده میگذازند کسی نزدیک رود

شایعات زیاد درباره تصدی که بجان شاه کرده بودند در شهر افتاده و نصیل آن را در نهایت درجه غنی و مستور میدارند ، چند روز است صکه شاه

هستند پروتست نامه در باب مداخله روسیه بکارهای داخلی ایران روزنامه طمس فرستاده شده است
 و ملتی های ایران در سفارت خانه های طهران تأمینات شاه را بنها قبول نکرده ضایعات سمر را نیز خواستگار اند

واقعات آذربایجان

نری می بوسد ، ابطالاً دزله واقع شده با عالم و اولاد آدم ر مترازل ساخته از هر طرف طاه ها کشتی های خلاصی آدوقه ها دریا دریا در رفتن است و حال آنکه بلای آسمان بوده و پیش بندی آن در قدرت احدی نیست و محو شد

عجب است که در ایران سردار ها سالار ها از طرف شاه مأمور شده بجهان احدی از پیر و جوان بچه و سوان اقا نکرده مانند کله که گرگ را در چار شده باشد هر یکی بقوتی دست از جانب شیرین بر میدارد ، از آن جمله است احوال بر ملال - لباس و دهات آن که سالار ماکوئی ظلم بنگیزی را تازه کرده هر قرية که عبور می کند خون بجای آب جاری است و بنیه السیف هم در این رستار سرد میان بر فها در کوهها و بیفوله ها از بی رادی و بی لباسی تلف می شود . احدی نیست که نگوید و پیرسد که این بکشمند رحمت بد بخت ملک زده چه تمسیر دارد و حال آنکه سلوگیری این بلای صحاکی خلیل آسان و هط یک شر خشتک و حالی جای خود شان خواهند نشست

خواصه حسن نامی از تبعه ایران که از علماء شهر اردلان نظر بافتنشات معلومه ینشاء بملکت عثمان آورده و ترک نایبیت ایران گفت از مجلس مخصوص وکلا قرار داده اند که در هر عملی بخواهد اقامت نموده و ملی هزار فروش شهریه بگیرد و این قرار داد بنظارت مالیه نیابن شده است

ولی مرافعه صمد خان با احرار بخلاف اسانیت رفتار مینماید ، و از حرکات خونخوارانه او مجاهد حریت ستار خان در نهایت درجه غضبناک شده و با قوه قاهره قرار داده بجانب مرافعه حرکت مابد

نمایانیکه بکله اهالی سلس رفته بودند مراجعت کرده استقبال عالی از آنها بعمل آمده و در خوه شهر

آفتاب می شود ، میگویند کسالتی طارض شده است ، لیا کوف از خدمات مسکری روس رسماً استعفا داده جبهه اینست که اقدامات او را بعد از این در اروپا نسبت بیه لیتیک روس ندهند ، حالا قتل لیا کوف با یکنفر گرجی که در حایه احرار بقتل میرسد فرق ندارد
 و میگویند مجلس شورای درباری که ترتیب داده اند مشغول نوشتن قانون اساسی تازه موافق میل شاه است
 در این ایام چند نفر اررؤسای مشروطین گرفتار شده و خلیل اذیت و شکجه با آنها میکنند

در عوض وجوهات تقدیه راحیه بیابانک شاهنشاهی که در طرف عین الدوله اخذ و قارت شده برای ضمانت تأدیه آن وجوه ، الحف و ضبط واردات کربک بندر بوشهر را بنک طلب نموده است (گویا از ترس احرار فارس و لارستان این تحریک را خود دولت عمده ملت راست که ماتمت شده زیر این رود

شخص غیر معروفی در حین اتمام قتل شیخ فضل الله دستگیر شده و دوراً خودش را میکشد میگوید از احرار بوده شیخ فضل الله مجروح شده و عمر او بقتل رسیده است

ملتی های سفارت عثمان در طهران تکراف تبریک عبدالضی ر مجلس مبعوثان اسلامبول بخاره کرده پس از قرائت آن (اسراؤ افندی) که یکی از مبعوثان است چنین سؤال نموده : از دراریکه در روز نامه ها خوانده ایم در حین النجای مظلومین ابر - و هانی سفارت خانه از طرف حکومت طهران محاصره شده مبعواهم از ویر خارجه حتم و صحت این واقعه را سؤال کرده معامله با دولت آزادی را که سفارت او مظلومین ملتی میشود یاد بگیریم ، خلیل از وکلا همراهی بارای اسراؤ افندی کرده رئیس مجلس هم تفق شده قرار شد که بوزارت خارجه نوشته و رسماً جواب بخواهند

مطبوعه دولتی طهران بیاننامه که در لغو مشروطیت در تشریح تان طبع شده بود دوباره نامضای سی و هشت نفر از ملانایان طبع نموده و این دلیل است که طرفداران ظلم و استبداد هنوز هم مشغول اجراییه مقاصد خود هستند

از طرف (جبهه نری ایران) که مر تندی

املیت نامه حکمفرماست. ولی در اطراف و طرق حرکات سارقانه اشیا دوام دارد

§ ستار خان سردار مجاهدین آذربایجان حکم داده املاک شخصی شاه که در داخله آذربایجان است باسم مات ضبط و مصادره نمایند

§ نظر اشعار روزنامه های قلیس عزت الله خان و نعمت الله خان ماکوئی که بسلاسه حمله کرده و مغلوباً بخوی مراجعت مکرر در نزدیکی خوی فتح شهر را از طرف احرار شنیده بقصد قارت دهات ارمنی زمین مجاور خوی حمله آورده، ارامنه هم دلیرانه بجداغه برخاسته بشدت تمام آنان را مجبور برجعت ساختند از طرف ماکوئی ها سی نفر مقتول شده سیورسات و سایر معمولات خود را ترك و فرار نموده اند. در این محاربه که هشت ساعت طول کشیده بود فقط یکنفر از طرف ارمنی ها مقتول شده عزت الله خان با هزار و پانصد سوار دست راست شهر را گرفته فرار نمود از ریش کلوه ارمنی ها از آنطرف هم مأیوس گردیده ناچار بسمت ماکو فرار کردند. شهر خوی از طرف احرار اداره میشود و در منتهای املیت است

§ عین الدوله مجدداً بیست و هفت هزار تومان بول بانک شاهنشاهی را ضبط نموده (این مصادره اودفتمه سیم است این حرکات را گویا عمداً از طرف دولت باسازش پلایکی می نمایند محض بهانه مداخله خارجه و سپردن گروک بوشهر این اسم بانگلیسها که بدست ملت نیوفند، چه انقلاب لار و اصفهان ثابت میدارد که عنقریب بوشهر و گمرکات خلیج تمام بقبضه ملت خواهد افتاد)

§ از تبریز تلگرافاً خبر میدهند که در اطراف شهر یازده نفر قزاق دیده شده که از قول عین الدوله تا پنج روز تسلیم شهر را باهالی توصیه کرده، و در صورت عدم قبول تهدید کرده که شهر را خراب خواهند نمود § سعد خان حاکم صرافه نیز با لشکریان خود همین روزها باردوی عین الدوله ملحق خواهد گردید

§ امروز از سیبج مجاهدین تبریز سریعاً بسمت جنوب شهر میروند، و بهان طرف سیورسات و چادر و نوب وجبه خانه زیادی فرستاده میشود، قزاق در نزدیکی شهر پیدا شده تسلیم شهر را بدانشیان توصیه میکنند

§ رحیم خان قرار است امروز به فرسخی تبریز وارد شود، عین الدوله در حال حاضر هفت هزار نفر جمعیت دارد پنج هزار سوار هم با حاکم صرافه هست بملاوه آنچه با رحیم خان میباشد، امروز دو نفره فدائیسها از گرگان آمده از ظلم و ستم سلیم خان و سعد خان تعریف مسا میکنند سعد خان حاکم صرافه یکنفر کرجی را که نارنجک انداخته بود گرفته و شقه کرده است

§ تذکره افغانه و پستخانه و گروک را در آذربایجان احرار قبضه کرده خودشان اداره میکنند بازرگ ها هم از کار حکمتار شده اند این روزها دو نفره فدائی قفقاری از رود ارس بخاک ایران مجبور کرده اند

§ (زکریا خان) که مباشر دهات معزز السلطه (زنی است حاکمه شاه حالی را بعد از آنکه مادرش را مظدرالدین شاه طلاق گفت او را بزرگ کرده و اولین زن محترمه ایست در اندرون شاه) در سلماس بوده بواسطه همدستی که با سالار ماکوئی داشته و باعث قتل و قارت قریه (مشابیح) شده بود فدائیان گرفته در حبس جناب حاجی پش نماز است که بعد از اخذ قارنهایکه کرده مجزایش رسانند

§ تصرف حوی و سلماس و دیلمدان و ارومی و مرند احرار را خطی جسور و قوی دل ساخته سلماس هر روز دست های فدائی وارد میشود، ایلات شکاک که در (صومالی) مسکن دارند بسلاسه آمده با فدائیان متحد شده اند، عساکر ملی روز روز زیاد می شود نظر باشاعه هجوم بطهران دهاتی ها مسلحاً دست دسته بدیلمقان وارد می شوند

§ میانه تبریز و صرافه مناسبات بکلی قطع شده بیست هم حرکت میکنند، یکنفر جاسوسی که بهرافه فرستاده شده بود اظهار میدارد که پنج هزار سوار در معیت سعد خان است، عین الدوله مشغول ترتیب نقشه محاصره تبریز است

§ سعد خان بین تبریز و صرافه مانع حرکت بیست است نظر بشایهاتی که میدهند اگراد ساوجبلاغ بسر کردگی باقر آقا ملحق باردوی سعد خان شده اند § در ارومی انجمن ولایتی دابر و شهر در کمال امنیت است ولی هجوم اگراد را در هر آن منتظرند

مکتوب يك از مستبدین تائب

نیت الله ضرر با بیعت فی الارض

بیریه کیف بر ادی - واة الخیه

قصه کلاغ و بیدق که در طهران بالای شمس العماره اتفاق افتاد نه قضیه ایست بلکه بعضی دوزخ مشاهده کرده باشند بلکه تمام اهل شهر دیدند و تعجب نمودند و انگشت حیرت بدندان گزیدند، لکن چه فایده که بعضی از قایت و عب و برنی از نهایت جهل بکنه این امر غیبی و فرمان لاری ابدأ الثفات نکردند الا ما شد و نذر، امثال حقیر که جوی از مستبدین و مأمور مغریب امر دین بودند بتوفیق ربان چنان یافتند که این امر عجیب و معجز غریب از برای راه نمانی عامه نظاره بوده که چگونه این شیر علم را که جهالتش فقط از ماد است و شغلتش همه بیداد میتوان دفع و نابود نمود، یعنی اجتماع کفید و نشان استبداد را از این جوب بر گزید که این رعبی که شما را گرفته عیارت از واحة است که در دل جا داده اید و این حله که از او می یلید حله ایست که ملیه اش باد است اگر چنین را از خود دور سازید و خود را در میدان حله بازید و دلیرانه برای شیر مادی بتازید هر آینه از بلای خوف که بعد از سوع بالاترین بلیات است خود و اعتساب خود را تخلیص خواهید نمود

بالجمله چون حسی و شموری در محوم دیدم و از کرده های خویش نادم گشتم مار سفر بسته (من لی یعاصف شمالا یبلتی - الی القری فبالتینی و بنسانی) گفته عزیمت ناحیه مقدسه نمودم تا به حضرت حجج الاسلام روی یاز سوده تضرع کردم و توبه آغازم. الحمد لله و اللله در عشر اول ذی حجه در آستانه مولی الکونین مشرف گشتم و روز دوم ورود دیدم ولوله و غلغله عربی پیداست مار را بسته و تمام خلق دسته بدسته روی به بیرون گذاشته اند. علت برسدیم، گفتند مگر میدان که حضرت آیت الله طرسانی بقصد زیارت عرفه در شرف ورود است، دیوانه وار و بی اختیار به بیرون شتافتم ناگاه از دحلی یافتم که در محرم مسبوق بودم، فریاده در گوشه ایستاده از فرط ندامت اعمال گذشته خویش و از ضعف توفیق توبه و شوق زیارت آن قبله الهی و

حجة الاسلام چشمم را اختیاری اشکباری میکرد، در بحر خوف و رجا جندان مستغرق بودم که از دنیا و مافیها بیخبر، چون نقش بر دیوار یس و بی اثر بودم، ناگاه صیحه سلوات و آواز نجات مرا از بخودی هوش آورد شمس آسمان علم را طالع دیده و خود را با کمال رحمت بزیرپایش افکندم! فرمودند چه عرض داری و مفسودت چیست؟ عرض کردم التوبه التوبه التوبه فرمودند (اللهم اغفر لنا وارحنا و تب عیننا انک انت التواب الرحیم) مادل روشن و قلب قوی برخواستی و تقید ایادی عموده و چون سایه التزام خدمت کردم و چیزها مشاهده نمودم که شاید اطهار آنها را واهی باشند، تمام احرار مسلمة وار دور این قر آسمان علوم را احاطه داشتند حزن لایسک بود و احرار همانها دسته بدسته زیارتش مشرف میشدند و از بیانات شایبه و کلمات واقیه ایشان حرم و دلشاد بیرون میرفتند و طبعات مستبدین گروه گروه مار حضور یافته و از شرب مواط و صنایع و حکم و حادله باقی می احسب آنحضرت مرض اسبباده شوم را معالجه نموده و برینا من کل داء مرخص می شدند. بیچاره کسایکه توفیق شرفیای نداشتند، بیچاره تر آنانکه رفته تقلید ایشان را برگردن نهاده اند، آواره آنانکه از حیثیت علم و فصل ایشان بیخبرند، آواره تر آنانکه بد بختانه دم از مخالفت آنحضرت می رسند، و اما شایسته هر گروه تعجیب اند (محمد الله کا عده) قطع نظر از اینکه هر علم و شهر فضل و منبع زهد و معدن تقوی بود تمام مکارم اخلاقی گون در وجود مبارکش و دیده گذارده شده، مخصوص کمال رعایت توفیر و تعظیم و تعجید و حفظ التیب حصرات حجج لاسلام حضرت آقای صدر و حضرت آقای حاسی شیخ عبدالله ملزمدوان و حضرت آقا میرزا محمد تقی شیرزای دامت برکاتهم داشتند، و مردم راه تردد حضور ایشان ترعب و تحریص میفرمودند و فی الواقع امروز ارکان اربیه حجة اسلامیة مذهب امامیه همین آقایان و بزرگواران اند که اطاعت ایشان بر قاطبه امامین و جمیع اسلام واجب و فرض عین است

قال الامام علیه السلام انظروا الی رجل رویی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا

فان جنبه علیکم حکماً فارضوا حکماً - باز دیوانه
 شدم زنجیر کو ، ما اینکه امروز اجماع امامیه اینست که
 این ذوات مقدسه اویه اعلم بکتاب خدا و اعراف به
 احکام شریعت اند و بموجب این توقیع مقدس و
 اخبار دیگر حاکمند از جانب حضرت حجة و
 صاحب الزمان عجل الله فرجه - حکم ایشان حکم امام و
 مخالفت ایشان مخالفت امام است ، چکه در امر
 مشروطیة دولت ملانیه احکام ایشان را مخالفت نموده
 و اسم اسلام و رسم تشیع بر خط می شد (لکن
 ابلیس اقوام و سیرم - عبداً و صفاً فلا جمع ولا صر)

قابل توجه تجار ایران

از قراریکه خبر نگار لندن ما میفید در ماه می
 سنه ۱۹۰۹ اکسپوزیسیون بینالمللی در لندن باز خواهد
 شد ، مشیرالملك وزیر ایران مقم لندن همراهی بعضی از
 تجار لندن مشغول ترتیب دایرة ایرانی است ، امید کلی
 هست که دایرة بسیار خوبی بشود ، بدین است این کار
 چقدر برای تجارت ایران مفید خواهد بود ، و لهذا
 شایسته است که عموم تجار ایران از دور و نزدیک
 لازمه همراهی را نمایند و اسباب فرستند
 بموجب اعلان که سفارت ایران در ایجا نموده
 است هرکس از تجار ایرانی بخواهد در این اکسپوزیسیون
 شرکت کند لازم است قبل از ۱۴ فروردی سنه ۱۹۰۹
 بسفارت این خبر دهد و هر اطلاع دیگری لازم
 باشد بخواند ، آنچه که می خواهد در اکسپوزیسیون
 عرضه داد چگونه و مقدار آن باید به تفصیل ذکر
 شود - اشیاء اطیبه زقییل - خطوط - تصویر و آثار قدیمه
 مجاناً عرضه خواهد شد - برای عرضه داشتن مالالتجاره
 از قبل قالی و قابیچه اریتم و مخمل و پارچه های
 دیگر ماداره محلی که لازم باشد احاطه گرفته حاضر شده
 تمام اشیا که برای اکسپوزیسیون فرستاده میشود باید
 در اول ماه اپریل بلندن رسد

مکتوب از کازرون

مد نهاست ترك عز بوشن را گفته در گوشه منزوی
 هستم ، لاکن بعضی عرصه طبعال را بر خود تنگ
 دیده باوجودیکه جمع دنیا و مافیها جولان گاه اوست

اگر خود را مشغول به نظیر این چند گاه که بعنوان
 راز دل است نمی نمودم قطعاً سکنه میکردم ، آخر تا
 کی تا چند خداوند ما را گرفتار سوء احوال خود
 کرده ؟ مگر نه خلوت فرموده که (یا من سبقت رحمت
 غضبه) معلوم میشود این قدر شقاوت در ما اثر کرده
 که با وجود آن همه قتل و غارت و خونریزی و
 گرفتاری اطفال بیگناه هنوز مستحق رحمت نیستیم ،
 غرض از این صریح و کبری آنکه تجارت و معامله و
 آمد و شد قاصد که اطمینان از تعدیات مستحفظین و
 کدخدایان و کلانتران عرض راه موقوف و سعی شده
 در شهر ، در ده ، در راه ، در کوه ،
 در دشت ، در بیابان ، کسی مالک مال و جان
 خود نیست ، باز دل خوش بودیم چکه بعد از ده
 دوازده روز که پست میرسد مختصر اخباری از ور
 شکستن فلان تاجر و بهمان پله ور و فرار کردن زید
 از دست همالان دیوان و بست بستن عمرو از تعدی
 این و آن می آورد ، این هفته پستی که باید از بوشهر
 بکازرون رسد سه روز طول نکشد ، آقا میرزا حسن
 خان سرتیب رئیس پست در صدد تحقیق برآمد معلوم
 شد که در خاک (کارج) غلامحسین نام قاصد را کشته اند
 و بارهای پست را هم برده اند ، این خبر که بکازرون
 رسید رئیس پست باسبب انگلیسی به شیراز و بوشهر
 خرداد آنچه نتیجه نمشد ، چون جمیع قاصدان پست
 از اهل قریه (دوان) که دو فرسخی کازرون است
 میباشند خبر به (دوان) رسید هرچه قاصد در دوان
 و کازرون بود با زن و بچه شیون کنان رفتند در
 تلگرافخانه بست نشستند و تلگراف بطهران کردند
 که اگر این قسم باشد که ماها را بکشند بکلی نمی توانم
 پست را حرکت دهم ، و سه روز بود از تلگراف
 خانه بیرون نمی آمدند ، تا آنکه از طهران و از بوشهر
 و شیراز تلگرافات دلسوزانه برای آنها رسید که حتی
 لامکان احقاق خون مقول از قاتل میشود دلگرم باشید
 و مشغول خدمت ، آنوقت اطمینانی پیدا کرده پست را
 حرکت دادند ، ولی این جانب هم که این کاغذ را محض
 مبارک منوبسم اطمینان ندارم که باز سارقین قاصد را
 بکشند و کاغذها را پاره کنند یا آنکه سلامت برسد اگر
 سلامت رسید وصول را مرقوم دارید که مطمئن شوم

جالب نظر دقت اهل فارس و خلیج
 و تحسبهم ایقافاً و هم رقود
 ای ابرائیان بحس . ای مردمان بی ناموس ،
 (تا کی آخر جو بنفشه سر فغلت در پیش)
 (حیف باشد که تو درخوای و زنگس بیدار)
 از سهل انگاری های شاه دبدب چه شد ، و کار
 به کجا منجر گردید ، نعمت مشروطیت دولت و
 موهبت عدله شریعت را از دست شاه گرفتند ، باز
 در فشار ظلم و استبداد رمق جان شاه را میکشند ،
 مجلس ملت بتوب بستند ساحت شریفه ، مسجد
 اسلام منهدم ساختند خاموش نشینید ، اخبار شاه را
 سر بریدند و شکم دریدند قطعه قطعه نمودند و قرآن
 شاه را سوزاندند و شرع شاه را برباد دادند استخوان
 پوسیده آزادگان شاه را از قبر در آورده آتش زدند
 سادات آل رسول را چوب زدند و حبس نمودند
 علماء دین را لاشه خور گفتند و حامی دین سیدمیهانی
 را شی و درمیان سیاه چادر لرستان بشکنجه و آزار
 گرفتند ، چندانکه نظماه از دربار استبداد درخواست
 کرد که او را بسیر روس فرستند که ازین شکنجه
 خلاص شود و حامی ملت سید طباطبائی را شی و در
 مشهد رضا علیه السلام حبس نظر نمودند و جرأت را
 که روح آزادی است از شاه مضایقه داشتند ، و کلمات
 جهان مطاع حجج الاسلام شاه را یوه نامیدند و به هر
 کدام دست یافتند مقتول ساختند ، و آذربایجان را
 آذر بجان زدند ، اینهمه کردند و شاه را ابداً رگ غیرت
 بمرکت نیامد و گفتید (انا وجدنا آناهنا علی الله و اما
 علی آنا هم لمتنون) ما بر ظلم مستبدین کرمأ تحمل
 میکنیم و جان خودمان را تا راحت نمیشوایم و
 شاه با تبریز در ستیز است و از ظلم ما دور ، گویا یقین
 داشتید که بهر از تبریز با همه جا بر سر صلح است ،
 نمیدانم حالا که از حبس سرپرست و مساد طبلت
 مستبدین واقف شدید آیا رگ غیرت ملی شاه بمرکت
 خواهد آمده و در صدر جنبشی هستید یا باز بابت
 و لعل خواهید گذراند ؟ خدا کار آذربایجان
 را ساخت (فضل الله للجامعین علی القامدین درجه) و
 الحمد لله امروز امن و راحتترین ولایات آذربایجان

است ، که از دولت غیرت و قانون مشروطیه گرگ با
 میش و گربه با موش در الفتد ، و عقرب که سیاهی
 خدا طهران را در بر با گذارده باغ فتح را باد فتح
 نامیده و یاری برادران مجاهد جان فشانها کرده و
 ترمیم خرابیهای مجلس ملی و معبد را ذمه دار شده و
 بانجم خواهند رسانید ، و این جسارت استبداد را سبه
 ه خدا و اولیاً خدا کوجک نخواهند شمرده که این امر
 نه مازیجه اطفال ملت بلکه پای دین داری در میان است
 و تا حال آنچه سانه و معذرت از حرکت مبرکد
 قبول بود زیرا که پای دین در میان بود و لکن حال
 که کار بد اینجا انجامیده که بنیان دین مبین را خراب
 کرده اند ، گر شاهها راحت به نشینند و اظهار
 حیوة نمایند فردا که پای محاوره بیدار آید جزایه
 قاعد ملکه فرار از وحف بشاهها داده خواهد شد ، تا
 زود است بکشید که جامه زنان بپوشید ، اگر به حرکت
 استبداد دسترس ندارید و رراء و حکام و مأمورین او را
 از خود دور دارید ، تلگرافخانه هارا بتصرف بیاورید ،
 اجزاء استبداد را از همدیگر بجز بگذارید ، کاری
 کنید که من بعد کسی محذمت استبداد رفیت نماید و
 همه کار در تصرف اسباب سلاح و قوه ماریه حکومت
 است .

معلوم طالبان است که پیشرفت کار ترمزبان
 در سبه غیرت از این راه بوده است ، باید زود متصرف
 شد باید قوه دافعه بدست آورد نتیجه لغاطی و های موی
 اردحام عوام و محسن بغیر بجز دامت نخواهد داشت
 یا اهل النیره یا اهل الحینه ه نصرت خدا و یاری اولیاء
 خدا و محابیت وطن عزیز اسلامی خود ز غلبید قبل از
 آسبکه قوای استبداد با های شاه را قطع نماید

ادبیات

(اثر خاصه آقا میرزا عبدالرحیم آلوسی)

(که بصورت اوراق منتشره در طهران)

(اشاعت یافته است)

سم از حد گذشت ای شاه و پیران گشت برات
 مگر جندی که آسایش نباشد جز بوبرات
 به بین آخر چه بستی طرف از این ظلم و ستمکاری
 بپیر از اینکه از کف رفت ، ملک و مال و ایمان

بزدان سرکشی کردی شکستی عهد فرآن را
 ندانم تا چه سکنر آبد از بزداقت قرآنت
 شما خود را به بدعهدی نمودییم شهرة عالم
 کند ضرب المثل در این صفت تاریخ دورانت
 بخط خویش دادییم خط آزادی و بگرفتی
 طمع داری بدین خلعت خدا نمشد گناهانت
 فکندی ملت بچاره را بر حال حمدیگر
 که تا رنگین کنی از خون خاکی بیکله خانت
 گهی مشروطه را سازی حرام و گه عدالت را
 کشد این کش مکش آخر بیدبختی و خسرات
 شما از خواب غفلت سر بر آور فکر سامان کن
 و گرنه بر کند سیل حوادث بیخ و بنیانت
 پشایی ندارد سود چون نگذشت آب از سر
 آبی زین خطا کاری خدا سازد پشاینت
 بآذربایجان خلق نظر از روی عبرت کن
 که مسلت از چه علت سرکشید از خط فرمات
 لرستان استراباد و طوالش جلکی محتل
 نمود این فتنه رو آخر بشیراز و صفاهانت
 شما گر چاره این درد بی درمان فرمان
 رود از کف برون سازندران آنگاه گبلانت
 تمام ملک و ملت را نمودییم از ستم تالان
 کشیدی توپ داری سنگ با شاه خراسانت
 شما تاج کبان و تخت سکیضرو آسانی
 بشد براد از حق مشیرات و امیرانت
 شما گر شیخ ناروا زانی زود از دربار
 بزودییم مبرد این بدملش تا قهر نیرانت
 از این ایام دل شما حذر کن چونکه می بینم
 بدوزخ می کشد طاقت این کینه شیطانت
 شما مردان حق گفتند ادرز آبی را
 ولی افسوس نشیدیم و نشیدند اهرانت
 ز هر سو خسرو آثار بدبختی عیانت بیم
 بیاد آور یکی از بیرق و از جلق زانانت
 بتقوم ر قومی بنگر و حال ساهییم بین
 که با مشروطه چون همراه بود و دورانت
 شما مشروطه اسلام است و اسلام است مشروطه
 بیا مشروطه پرور شو که تا خواهم مسلمات

شها بگذر ز استبداد و با مشروطه همراه شو
 مکن خلق بریشان تا سازد حق پریشانت
 خدا شاهد بود شها که دولت خواه و حق گویم
 غور گول (سنه قربان) که خواهد ساخت قربانت
 شها واقه باقیه بدخواست می باشم
 زحق خواهم تو خسرو باشی و مخلوق خواهانت
 اگر مشروطه دادی میبری گوی سعادت را
 و گرنه میکند دوران چه گو با مال جوکانت
 شها مشروطه از ایران دگر خارج نمیکرد
 حقیقت را بیان کردم که تا فارغ شود جانت
 آبی چون باقیانوس از وصفت به تنگ آمد
 سر خامه کنون بر گشته سویه تقض پیمانت
 شها ترا تقض چنان تقض فاحش دست میگویم
 که تقض عهد خلوات کرد اندویش شاهانت

حبل المنین

میرزا عبد الرحیم الهی یکی از دوستان صمیمی
 خود نوشته که امثال بنده در طهران بسیارند که برای
 پول همه کار میکنند و همه چیز میگویند و می نویسند
 ولی عقیده شان غیر از آن است عقیده بنده این قبیله
 است که محرمانه در طهران انتشار دادم ازین رو نباید
 بخرافاتیک در اقبانوس مبنویسم خورده بگیرد (زر
 بر سر فولاد نهی نرم شود) آخر دل من که از فولاد
 سخت تر نیست میدانید که مسلك من از قدیم تصوف
 یعنی ابن الوقتی است

مکتوب از پترسبرگ

(۱۵ ذیحجه)

ورود علاء الملك سفیر فوق العاده زاید الوصف
 بر توهین شاه و دولت شش هزار ساله ایران افزود ، و
 اهدا ادارات رسمی روس احترامات سفارت فوق العاده
 هم باو نگذارند ، چه بقول اعضای بعضی از ادارات
 رسمی پترسبرگ پادشاه ایران بفرض خود شخصی را
 بحضور امپراطور فرستاده و تماماً نامش را سفیر فوق العاده
 باسم تعزیت عموی امپراطوری نهاده ، این آداب دانی
 نو ظهور را معلوم نیست شها جوان ایران از کجا
 آموخت ، و این اولین سفارت فوق العاده است که در
 اینگونه مواقع به پترسبرگ آمده بلکه در اروپا هم

سراغ نداریم درین گونه مواقع سفارت فوق العاده فرستاده شده باشد

الخبارات خلیل علاء الملک را مضمک می نمایند و شاه را نصیحت میکنند ، در اخبار اسلوسک نطق علاملک را در حضور امپراطوری چین می نویسد

ترجمه از روزنامه اسلوسک پترسبرگ

(نطق علاملک سفیر فوق العاده ایران)

میرزا محمود خان سفیر فوق العاده شاه ایران وارد پترسبرگ شده اعلیحضرت امپراطور نکلائی دوم او را بحضور قبول کرده میرزا محمود خان علاملک چنین نطق کرده گفت ،

اعلیحضرت من پانزده سال پیش در این پای تخت بزرگ رسی و بر مختاری داشتم روز های خوشی که در پای تخت آن اعلیحضرت گذارده ام هیچ وقت فراموش نمی کنم ، و خود را خوش بخت میدانم که اعلیحضرت ولی نعمت من این سفارت را بمن رجوع فرموده که از فوت عموی بزرگوار آن اعلیحضرت تمیزت گویم ، این هم البته بر اعلیحضرت معلوم گردیده که چند وقت است در ایران اختلال بود این روزها در همه جا آسایش برقرار شده مگر آذربایجان که محل تجارت قاریکهای روس است ، آن را هم سبب ستارام که همیشه کارش راه زنی دزدی بود حالا بقدر (۳۰۰) نفر از هم کاران خود را جمع کرده مشغول قتل و غارت و محل آسایش شده اند ، دولت چهار هزار سرباز برای سرکون ایشان آماده دارد و توجه دولت روسیه را بان اختلال جلب می باید

یکی هم حرابید اروپا از لیاکوف شکایت مینویسد لیاکوف غیر از وظیفه خود بکاری اقدام نکرده شاه ماندن او را از اعلیحضرت تمنا مینماید



علاملک بعد از آن سه استدعا از امپراطور نموده اول تأیید عسکری برای آذربایجان که رسماً جواب یأس شنیده دوم مدد مالی آهم محول امضای ملت یعنی افتتاح باروننت گردید با شرایط دیگر ، سوم استدعای حفظ جان و بقای سلطنت خود را در سایه هابیه روس خواست ، میگویند امپراطور وعده میانجیگری و اصلاح

ذات البین را بامشوره انگلیس نموده است ، بالجه علاملک غالب و خاسر از پترسبرگ حرکت کرد و بواسطه عدم همراهی اخبارات هیچگونه نتوانست به هیاهو های کاذبه هم اسباب مرعوبتی برای اهالی آذربایجان فراهم آورد فقط نتیجه سفارت علاملک همان بقای لیاکوف در خدمت شاه شد ، آهم مشروط براین که بک دفعه ترک خدمات دولت روس را به باید

سبعان الله کار مشاورین شاه بکجا رسیده است این وزرای کج اندیش تاریخ ایرانرا چه سان ملوث مینمایند ، و کجا را برای جها بکجاها بفرستند ، درست دقت فرماید برنگ و روغن نطق این سفیر زشت تقریر بی وجدان این سفیر بد تدبیر چه نطق مهمل در حضور پادشاه امپراطور بزرگ بی شرمه میدهد ، چه منظرقت بقالب مینزند ، میگوید ستار نامی که از راه زنان است سیصد نفر از هم بیان خود را جمع کرده و دولت چهار هزار لشکر حاضر دارد فلافل و فلافل ، و هیچ فکر نکرد که شاید این امپراطور بگوید پس این چهار هزار چرا از عهده سیصد نفر قوهلور نمی توانند برآیند ، میگوید لیاکوف از وظیفه خود زیاده کار نکرده شاه از او ممنون است چه بیوجدانیت که بتوب بستن مسجد و طوبه کردن مدرسه را از وظیفه بک مشاقی قرار میدهد ، مجاهدین فی سبیل الله در نزد ستارخان امروزه زیاده از سی هزار فرزند و روز بروز بر عده آنان مینمیزد ، و همه دانسته اند ستارخان صد مرتبه از سرکردگان گردن کلفت شاه علم و فن حرب را بهتر میداد ، چنانچه تا امروز سهو و لحط نکرده در وقت دفاع دفاع ، و حین هجوم هجوم و وقت رجعت رجعت کرده ، و همه میدانند امروز در سایه اقدامات فائزانه انجمن ایالتی آذربایجان هیچ وقت با چنین قاعده تشکیک عدلیه طالب ضمیمه نشده بود باوجود این بریشانی در یکجا چهار باب مکتب گشاده شده ، در ۱۶ ذی قعدة رسم گشاد بچارخانه شد ، جمع بایندهاں خارجه حتی قونسول روس حاضر بود همان ساعت دوسه هزار تومان امانه جمع شد

این راپورتها را قبل از علاء الملک قونسول روسیه داده است ، علاء الملک میداد مالبات آذربایجان در نهایت نخون و مادلاه انجمن ایالتی میگیرد ، علی الرغم و بکوری

حدود مهجری بنیاد

(بصیت زدگان تبریز)

معنی است بین احرار و مستبدین ایران چه قدر
 خونها ریخته شده ، در این بین چه قدر ضفا و غیر
 ضفا تلف شده ، وجه قدر خانها بی خانان شده اند ،
 لذا ما هم تاسی سایر بلاد هسته در بغداد بجهت فک
 زده گان و فقرای ملت دفتر اطاه باز نموده ، وجه
 جمع و دره شهر حال از جناب مستطاب آقا عباسقلی آقا
 تاجر تبریزی رات گرفته به عهده آقا مشهدی یوسف
 تاجر قزوینی که به نومسیان اعاه تبریز برساند فرستادیم
 استدعا داریم این عنوانرا در جریده درج فرمائید
 تا سایر بلاد هم شاید توجه نموده اطاه جمع کرده و
 بفرستند به تبریز که امروز برای اسلامیان افضل الطیرات
 است

محمد علی حسن اوف

(اسامی اشخاص که در بغداد اطاه بجهت تبریز داده اند)

نام	لقب
جناب مستطاب طلم الربانی آقا میرزا ابراهیم آقا مجتهد	لقب
جناب حاجی حسینعلی شیروانی	۱
جناب محمد اوف ابن حواهی	۱
استاد محمد رضا تبریزی	۲
محمد ابراهیم آقا	۱
حاجی محمد حسن الجومر	۵
موسویگری سلوکی و شرکاظم	۷
جناب حاجی حسین آقا نیک	۳
آقا مهدی قلی کلاه دوز	۲ عبیدی
حاجی سلمان حاجی داؤد	۲
صمد بی بیك	۱
جناب آقا سید حسین قزوینی	۱
جناب آقا میرزا بزوی	۲
آقا میرزا محمود آقا نفا الاسلام تبریزی	۱
جناب حاجی علی آقا تاجر دیوف	۱
آقا عبدالنهی تاجر دزفولی	۱
حاجی محمد تقی آقا تاجر تبریزی	۱
آقا ملا حسن تاجر تبریزی	۱

چشم دشمن امسال سه برابر سالهای گذشته خدای رزاق
 العالمین بجزرعه آذرایمان برکت عطا فرموده و الآن در
 انبارهای ملت هست ، صد هزار خروار ذخیره دوساله
 در تبریز موجود ، اوجود آنها سفاقت کیسه حرکات
 ملی را زشت میگوید واضح است امثال علامتک
 مشروطه خواه میشوند ، خصوصاً طایفه نظام الملای همه
 میدانند در مشروطه چشم خوار ، ابروگان ، غنچه دعان ،
 بکار نیاید در شانزده سالگی صاحب حمایل و نشان اجل
 انقی توان شد ، ازین طایفه حکایتها تاریخ ضبط دارد
 این سفارت میرزا محمود خان از اقدامات عبدالسلطنه
 که فواحش طهران را جمع کرد که ما مشروطه
 می خواهیم کم نیست ، علقریب خواهد رسید روزی که
 اینها هم بسزای اهل خویش برسند

صورت کافه طهران

در بام شمس الماره از قدیم سه بیدق شیر خور شید
 هست ، ششم ذی قعدة الحرام زانهای زیادی به پشت
 بام شمس الماره هجوم آورده بنای کندن با منقار و
 جنگال و پاره کردن بیدق ها ولوله کردن و انداختن
 نمودند به کسی سکه همه مردم تسجب نموده ما برین
 مشغول تا ناگهان کشند ، یک ساعت طول نکشید که از
 ارك دو سه تیر فنک خالی کرده زانها بلند شده باز
 فرود آمده مثل اول مشغول پاره کردن شدند ، عکاسان
 فوراً عکس این واقعه را برداشتند و این اشعار را ناظمی
 گفت - (الم ترکیف فعل ربه به بیدق القاجار - نقره
 الغرابان بالمنقار - تا تلوه الحیفة والمردار - ان
 فی ذلک لآیة لاولی الابصار)
 گویمت یک حکایت شیوا کن روایت بدوستان ز صفا
 بود بالای قصر پادشهی شیر خور شید بیدق بریا
 علم اول نشاء شاهی است کاحترامش کتد در هر جا
 سیصدویست شش زبده هزار رفته ز هرت رسول خدا
 در ششم روز از مه ذی القعدة تیره و نار گشت جو هوا
 چون ابایل در حکایت فیل لشکر حق فرود شد ز سا
 جمع کشند و حله افکندند گوشها گشت گر ز قاقا
 چند تیر فنک خالی شد نه نمودند هیچ یک پروا
 برده را باره باره بخوردند ماند جوپ علم رهنه به پا
 عربز گیر ای شه قافل نکته نیز هست در اینجا
 تخت نوسرنگون می گردد به نشیند به تخت تو اعدا

- ۱ حاجی علی اکبر آقا تاجر تبریزی
- ۲ آقا میرزا عباسعلی آقا تاجر تبریزی
- ۳ جناب حاجی علی آقا تاجر تبریزی
- ۴ جناب حاجی میرزا علی اکبر اهرانی
- ۵ عباس آقا علی یوف

مکتوب از بغداد

به همت عالی و معارف پروری

حقیق محمد علی حسن اوف از اهل قفقاز میباشم در سوم شهر دیماه بعزم زیارت عتبات طالبات وارد کاظمین علیه السلام شده بعد از زیارت ملاحظه نمودم امروز در کاظمین چند هزار نفوس هستند که اکثر آنها ابرائی میباشند و تا حال مکتبی بجهت تربیت اطفال خوره سال تأسیس نموده اند که از قید جهالت اولاد خود شان را خلاص نمایند ، فقط قریب دو ماه است چند نفر از ارباب همت و غیرت ابرائی جمع شده بنام مکتبی میگذارند برای اطفال خود و فقرا و ایام و چند مجلس مذاکره هم نموده اند ولی درست نشده و این هفته باز مذاکره نموده اند و چنانچه ذکر شد بکفایت از مطربین چهار ابرائی ساکن کاظمین جناب مستطاب حاجی علی آقا مطلق تاجر تبریزی که امروز در ثروت و دولت شخص اول ابرایان است و غیر از خواه قدی (۲۰۰) حصه از هزانه راه کاظمین و بغداد را دارد میدهد تمام مصارف این مکتب شده است که با تدارک صحیح مکتب را افتتاح نماید و از برای مصارف مکتب ۱۰۰ حصه از سهم همراه را وقف نماید

فی الحقیقه این همت خیز مشارالیه تمام ابرایان ساکن عراق را سرفراز خواهد داشت و امیدواریم جناب مشارالیه بعد از تأسیس این مکتب مریض خانه هم که امروزه در کاظمین بجهت غربا و زوار واحد است بنا نمایند و ثلث طایفه خود را در وجه این کار خیر احسان فرموده و نام ابرایان را سر بلند خواهند فرمود و در تشریح واقعه طهارت علیهم السلام اجر شان ضایع نخواهد شد محمد علی حسن اوف

ترجمه از روزنامه سبوح منطبه اسلامیبول
استبداد که نیکو دارنایند نسبت است بحرف
مصوم بر این دفعه نیز چون دفعات سابقه در هضم
جلاده موفق شد ، ولی با ظهور غیرت الهی مغلوب

و منبزم گردیده شاهبیک ظلم های کربلارا در حق تشنگان حریت روا می بیند با اندازه ذره نداشتن رحم و شفقت را در دل تمام عالم ثابت نمود ، و علم سیاست را بعد از این از خودش دیگر گون ساخت است ، زمان حاضر با مؤسسات مدنی و تقنینات احرارانه تمام حکمداران عالم ترقی سلطنت را بحریت ملت بسته دانسته با مثلها و دلیله ها و عوامه و وصیه های حکم و با اساس فیهائده ، با این همه نفاق شاه ایران با آن همه وعده های بی دردی و قسم های مکرده در حرکات خلاف شرع و عقل ارباب حس را داند در می یابد

خبر مخصوص ما از رول غلبه احرار را تکراراً
خبر میدهد و میگوید

بشما بطور خلاصه تاگرافهای خبرهای روز نامه های اجنبی را از طهران عرض میکنم ، هیئت جیبی از علما و تجار سفارت عثمانی بنا نموده شده افتتاح پارلمانرا می خواهند ، حکومت روس و انگلیس هم در این باب بشاه زور آورده و حال شاه در تهاکه است ، قهرمان حریت ستار خان با احرار تبریز باردوی عین الهوله هجوم کرده ، اردو را مسموم و پریشان نموده ، دوازده عدد توپ و مهمات زیاد بقلیمت آورده ، اردو را فراراً چندین کیلومتر عقب نشانده اند ، در میان دو هزار نفر مقتول و مجروح میدان حرب بدلت شصت و هفت زن در لباس مرد بیک قسم علیحدگی اساس اقدامات غیرتندانه احرار و اهالی آذربایجانرا مفهوم میسازد ، تخصیص سفارت عثمانی را در کمال محذورات تلقی می نمایند ، نظر بروابط قویه دنیه معاوت مظلومین ابران از وظائف مقدسه ما میباشد سوء تأثیر امتساقات واقعه در ابران پیش کافه موحدین از مسلمات اولیه است ، و حسب دارائی خلافت معظمه دولت عثمانی با بودن یکی از دول مشروطه عالم شرکت در ترضیقات دولین روس و انگلیس که با اساسی و پایه ملتت سیاسی و اقتصادی خودی پیش انداخته شکل علیحدگی برای ما لازم و واجب است

صد هزار آفرین و تبریک بستارخان قاری در
در آوردن دو چشم خونخوار عین الهوله و موافقت
پاره شان دنیا ز آرزوهای تمام اسلامیان بوده و
همواره دعای خیر مسلمان ها همراه شان است
پیدا شدن نشانی شصت و هفت زن در میان شهیدی

حریت ثبات قدم و حق بودن ادعای احرار ایران را از پیمان قطعیه قرار داده ، در این حال جمله احرار ایران با یسر و پسر و مادر و خواهر سلاح بدست بطرف استبداد و خود حیت و غیرت فوق العاده را در مملکت ابراف که قرنها به تمدن گذرانده بر طلیان آشکار میدارد ، حرکت شاه فرح آباد دال بر این است که بکلی از طهران سلب املیتش شده است ، شب گذشته خواستیم از محافل موثوقه در حق ایران معلومات بگیریم ، نظر بخیبرهای اخیره تمام ایران قیام نموده متحد القول افتتاح پارلمانرا میخواهند ، در مشهد حاکم و در مقام حکومت بر کار کرده بافادات مشغول احراری کار های ملکی شده اند

مخارما در آخر تلگراف میگوید (آیا اداره صباح اقدام بجمع آوری امانه برای تبریز نخواهد کرد ؟) البته میکند برای حیثیات بشریه خدمت کردن از وظیفه السانیت است ، بخصوصی که دیناً و سیاستاً ارتباط ما با ایرانها طبعی است ، احوال بر ملال آنها هموم ملت عثمانیه را دلخون نموده ، ماتی که با شادی ما شاه و هر غمهای ما گریافت هستند بطور می شود که درباره آنها خود داری نمانیم ، ما نمیتوانیم فراموش نمانیم که ایرانیان در حین کشاد مجامع میمونان ما چه سرور ما کردند و چه طاقهای ظفر بستند ، آیا این القادات آنها از روابط اخوت دینیته نبود ؟ حالا ما که کامیاب شدیم بر ما هم فرض است بر طلیه آنها مسرور شده و دوام موفقیت آنها را از جان و مال قنایمان

﴿ اخطار ﴾

بقصد معاونت احرار ایران اداره روزنامه صباح در گرفتن و تسلیم پیادگ کردن اطانات ارباب حیت را در کمال افتخار حاضر است

﴿ مکتوبست که یک از زنان عثمانی ﴾

(روزنامه صباح نوشته و ما عیناً ترجمه مینمایم)
بد عنوان - البته این پست ضرورتی که باطایه احرار آذربایجان تقدیم شد جزء لاجزای محسوب است ، ولی احتمال میرود که در وجه بست فرستادن اطانات بکار آید فقط چیزی که هست در شرح برای تعاون مقدار معین نشده باین لحاظ امید ضرور دارم در این مدت منتهی بلاهائیکه بر ایرانیان آمده

در واقع نانی اثین وقعه کربلاست ، دنیای تمدن و علم اسلامیت باید بحال آنها خون گریه نمایند ، بطور گریه نکند که دلاوران ملت و بهادران مملکت برای سعادت سرمدی وطن خودشان چیزهای ذی قیمت خود را فدا می سازند ، اولادهای بیصاحب آنها را آیا کی پرستاری می کند ؟ و در این هوای سرد زمستان از غلجه های لشکفته کی توجه می نماید ؟ این احوال ملالات اشغال نه فقط افراد انسان را بلکه ملایک آسمان را بخروش می آورد ، در مقابل این جنایات و ظلمهای بزبدانه شاه مستبد بابقایان نوحه سرانی میکنم (برین بوردین محسین مملکت سز و حکمدار اول) یعنی شاه ولایه ات خراب شده بدون مملکت پادشاهی کن ، آیا شبهه میکنید که هموم خواهران ابراف من در حق شاهی که اولاد معنوی و ودیعه که را این همه جفا روا بیند با من در این طریق هم آواز نیستند ؟ چیزی که ابداً در خاطر این کلیر تا تسلی بخش نخواهد شد بایش همان شصت و هفت نفر امداد پاک خواهران شهبینه ماست در میدان حرب ، چه این مخدرات بحیبه با هنرم حلی مردانه نام نامی شانرا در صفحه تاریخ علی الابد یادگار گذاشته اند ، باین خواهران شهید ما قانعم خوانی و سوگواری از وظایف واجبه ماست ، قادر متعال این نوادرات شجاعت و شهادت را با جمله مؤمنین و مؤمنات برحمت خود واسطه فرماید ، آمین

در خانه عریضه بموم طایفه نسوان ایرانیه از طرف تمام همشیره هاسیبه عثمانی و امهات اسلامی تسلیت عرض میکنم ، امضا از شاگردان مدرسه نجم ترقی (امینه بنت صالح صائم)

﴿ ایضاً ﴾

بد عنوان - شرحی که در باب جمع آوری امانه بجهت برادران مذهبی ما که در راه استحصال حق و حریت حق نسوانشان از جان عزیز گذشته با دشمنان همه چیز خود مقابله کرده جان می سپارند ، در نمره دبروزی مصادف الظار مباحات و امقتان گردید ، برای مجامعین غیور ابراف که بجهت در بجهت استبداد انداخته مشغول دفاع و طلب حقوق حقه خود هستند ابراز خدمت بهر نحو که ممکن باشد معناً و مادناً از اطانات جوانمردانه و بر طایفه مسلمان ما و غیروران با همیت عثمانی عرض است

هنت لیره عثمانی تقدیم شد قبول آنرا لطفاً استرحام
 میکایم - جابه های شا (بدریه خانم ، فالخره خانم ،
 قاطمه خانم ، ناجیه خانم ، نعمیه خانم ، رحیمه خانم ،
 مادام ماریقه ، امنیه خانم ، معصومه خانم ، ناجیه خانم ،
 حاجیه خانم ، فایده خانم ، نگار خانم ، مادام آنس)
 حبل المتین

چه قدر بی حس خواهند بود رجال ایرانی که
 این واقعات را ملاحظه نموده و این حسیات را از
 زبان اجنبیه در حق خودشان مشاهده کرده باز هم
 توجه نمانند و همراهی خواهران و برادران و ایتام و
 ارامل خویش نه نمایند ، نمیدانم بجه زبان عذر ارباب
 ثروت را نزد خودی و بیگانه بخوابم که با یک عالم قدرت
 درمی درین راه بذل فرموده اند ، باز هم بطریق
 سرسته از نجات محترم بیهی و پوشهر و بصره و سایر
 سواحل خلیج فارس استمدای بذل توجه درین افضل
 الخیرات می نمایم ، و راضی نشوند که ما دست سؤال
 باسم و رسم خدمتشان دراز کنیم ، خداوند حس ملیت
 و قوت انسانیت و اسلامیت را در ملت ما زیاد فرماید

ترجمه از روزنامه ترقی

(منطبقه بادکوبه)

طرد و تبعید مخبر مخصوص روزنامه (روج) از طهران

مسبو (تاه یوف) که از طهران طرد شده این
 روزها پادکوبه آمده ظلم های حکومت ایران را نه فقط
 بروسیه اطلاع خواهد داد بلکه مخیال اطلاع تمام عالم
 کوییه های تلگرافهایی که بروزنامه (روج) فرستاده
 بدیر روزنامه (وستق باکو) هم نشان داده و او
 نیز عین آنها را بر وجه دلیل اشاعه داده است
 از آستارا پاداره (روج) تلگرافاً میگوید
 امروز مخبر شا ~~که~~ با بخاک روسیه میگذارد در
 مقابل جبر و ظلم ها که در ایران دوچار شده حق
 پروتست را داراست

هر تلگرافیکه از ایران بشا میفرستادم از طرف
 سفارت روس تصحیح و تدقیقات اسقاطیه بعمل می آمد
 و هر مطلبی که مغایر بکارهای آنها بود زده می شد ،
 بعد از حرکت سفیر بروسیه مترجم اول سفارت

(بارانوفسکی) از وظیفه ناشناسی و خود بینی کار را
 بجائی کشانید که اسامی اشخاص محترم را که بمن خبرهای
 صحیح و عین واقع را می دادند مطالبه نمود ، من
 جاسوس و متفق نبودن خود را بطور قطعی هشدار الیه
 حالی کردم ، آهم موعده سه روز خیم را از طهران
 اخبار کرد ، نظر باین ظلم نا مشروع بحیثه تبعه بلغار
 بودنم خواستم که بدولت متبوعه خودم پروتست نمایم ،
 بآنهم مانع شدند برای نیحایه و حامی بودن خبرهای
 روزنامه های روسیه با قلب پر اسف و ملال از ایران
 خارج می شوم (پانوف)

ایضاً

(از بادکوبه اداره (روج))

باعث طرد و تبعید من از ایران همان اطلاع دادن
 حرکات مأمورین روس نسبت بکارهای داخله ایران
 که مغایر اشتلاف انگلیس و روس بود گردید ، اوراق
 زیادی در اثبات حرکات (لیاکوف) و (کارنویچ) در
 دست دارم ، گاهی برشوه و گاهی به تهدیدات کوشش
 داشتند که من از امشآت حرکات آنها دست بردارم ،
 سفیر (کارنویچ) بنوسط قونسول (یاسق) چندین
 دفعه پیغام داد ~~که~~ یا مبیح خبر نگاری نکنم و یا
 هر قسم میل آنهاست بنویسم همه اینها را بجدیت
 رد نمودم

در باب تخریک و تلگراف شاه در قارت نمودن
 ملک اجنبیه را در آذربایجان بحیثه مداخله دول خارجه
 بایران جنیدی قبل که تلگرافاً خبر داده بودم اصل این
 تلگراف شاه را یک نفر از رجال بزرگ دولت که خلیل
 شخص معتبری است بمن آورده بود ، و الحال حاضر
 ایران اسم او را گفتن جانب او را بشما که سوق نمودن
 است ، کاتب اول سفارت با مترجم اول اسم او را از
 من پرسیده بطور صریح ابا و امتناع نمودم ، سفارت
 این ابا کردن مرا قبول نکرده بترک کردن ایران جبراً
 از من سند گرفت (بارانوفسکی) راضی بود اگر چشم
 را باز کرده موافق میل آنها رفتار نمایم در ایران مانم ،
 ولی (لیاکوف) و (کارنویچ) در مراحل اخراج مرا
 می خواستند ، اجازه خواستم که بدولت متبوعه خودم
 بلغاریا مراجعه و عرض حال نمایم ، بنیر از استیضاه
 سفارت آمیز جوابی بمن ندادند (پانوف)

« ایضاً »

مسئو یانوف صورت تلگرافاتی چند در اثبات حفاظت احرار ایران و مطلوبیت خود بوزر خارجه دولت روس و رئیس دوما مسیو خومیا توف و آخنت بلغارستان بقرار ذیل نموده است

در حاتی که حیثیات و وجدان من دوجا تزلزل بود بشما مراحت کرده در دل خود را عرض می‌کنم و جنان کما می‌بایم معروضات بنده را بپذیرد در هر حالت کمک خواهید کرد، و می‌خواهم بجهت حکومت متبوعه خودم (که عبارت از بلغارستان است) مراجعه کنم. مأمورین روس در طهران مانع شدند، نه تنها که ممانعت کرده بلکه طرد و تندی کردند. اسباب موجبه وارده بمن این همه زحمت و مشکلات را همین بوده است که گویا می‌خواستند بنده را متمم به (روولسیونر) نمایند، اما حقیقت حال بنده آن مطالبه شاه برحمت خود که و دینه الهی هستند می‌کردم بگوش تمام ارباب بصیرت رسانیده و انتزیکه‌های برای پیشرفت خیالات خود می‌کردند افشاء می‌نموده و بواسطه روزنامه‌ها نشر کرده‌ام، و بایستی این رفتار و حالات من به نظر مأمورین دولت روس نیک آمده باشد، چرا که شاه طرفدار استبداد است، مملکت خود را بانگلیه و نجارت روس و تمام خراب و باجهال نموده و می‌کند، و مأمورین روس بسبب پلنیک که شاه گرفته تخریب بلاد و عباد می‌کنند و خیالات فاسده او را ترویج میدهند، بنده همان کیفیت‌ها را بواسطه سیم تلگرافات بگوش تمام طالبان رسانیده‌ام

« جنبه منطقه کار »

بنده بجهت همان کارها هم طرد و تبعید نشدم و اسباب مطلوبه مصائب وارده بر من گویا ائتلاف دولت دولین انگلیس و روس در مداخله نمودن بکارهای ایران بوده، مأمورین سیاسی روس همیشه آن پلنیک را تعقیب مینمایند. که مغایر بفکر و مسلک دولت ایشان است، پاره خبرها نوشته‌ام و شاید بجهت ترویج افکار و مسلک جدید مأمورین روسی در چار طمن و ستم کارتوویچها و لیاکوفها شده‌ام، این دو ذات محترم ائتلاف و اتفاق جدید انگلیس و روس را در خصوص امور ایران نمی‌توانند منضم نمایند و افکار حقیمه شایسته نمی‌گذارند

دست از پلنیک قدیم خود بکشند، و جای حیرت است که در این باره هم نمی‌توانند خرج افکار کرده و خودشانرا در انظار عامه بدنام نمایند، و ظاهراً جنان و نمود مینمایند که دستور العمل افعال شدید خودشان را از دولت تحصیل کرده‌اند و حقیقت حال را پنهان داشته پلنیک قدیم را تعقیب و بشاء کمک و یاری کرده برای عمو و اضمحلال قانون اساسی بعضی فرقه‌های مستبدانه تشکیل مینمایند و تا اینجا هر چه عرض کرده‌ام حاضریم که در محاکمات اثبات نمایم

و این دو مأمور روس می‌خواهند آنچه حکومت روسیه در انظار عامه حائز قدرت و نفوذ است عمو و زایل نمایند، مادامیکه این‌ها در ایرانند اهالی ایران به هیچ وجهی در امور راحمه با ایران صداقت و عدالت پروری دولت روس قانع نخواهند گردید، لهذا لازم است دولت روس این مأمورین خود سر را تبدیل نموده بجای ایشان مأمورین مقتدر و کارگزار گسیل دارد، و باز تکرار می‌نمایم که قصور و گناه غیرهای جرائد در ایران افشاء اسرار کارتویچ و لیاکوف و شرکاء ایشان است کارتویچ و لیاکوف و بارانوفسکی بایستی در دائره اعتدال و قانون مدنیت با وقایع نگاران رفتار نمایند، نه اینکه بنده و امثال بنده را باستعمال قوه جبره مجبور بسکوت کرده باشند و این جنانان که تابع اداره کبف شاه خودشان هستند و مخالف اوامر حکومت مرکزی خود بک مسک دو رویه گرفته‌اند، ممکن نیست وقایع نگاران روزنامه‌ها با این حالت پریشان در ایران زیست نمایند

« اخبارات تلگرافی خارجه »

- ۱) خبر (روز) را خبر رسیده که حکومت انگلیس برخلاف (ملا) نمی‌خواهد تقوین بفرستد، فقط برانستحکام قوای خود خواهد افزود
- ۲) در (میسینیا) باز شروع به آبادی شده هوا که از اطراف میرسد، بقولات و سایر ماسکولات در شوارع فروخته می‌شود، دکاکن ما کول و مشروب افتتاح شده است
- ۳) در (جلیوا) زلزله سختی شده در (بولوگتاوینس) نیز کمی محسوس آمده است

§ عرض الحاق (بوسینیا و هرزیگووینا) دولت (آستریا) خساره (۷۵۰۰۰۰۰) لیرا قبول نموده رئیس الوزرای عثمانی پنج میلیون دیگر مطالبه می نمود ولی (مارکویس پالا وینینی) وزیر خارجه (آستریا) قبول نکرد. در (ویانه) مردم را کمان این است که انفصال نام بین يك هفته ياده روز خواهد شد. از شیبوع این خبر قیمت سندات استقرضی ترقی نمود -

§ ارباب حل و عقد (اسلامبول) چنین تصور می نمایند سکه مسئله (بلغار) هم با دوستی تصفیه خواهد یافت

§ دولت چین در اعانه مصیبت زدگان زلزله (ایتالیا) (۵۰۰۰۰) تیل اعطا نمود

§ دبروز صبیح در جنوب آستریا از (سارا و اجرو) تا (تربیتی) زلزله محسوس شد

§ از اخبار بلگرید ظاهر میشود که رسماً اقبال به تاوان ترکی شده و رأی روزها مجامع است (سرویا و حاتی نگر) نیز تاوان خواهند یافت. و در ویانه بیان می شود که سرویا را در راه آهن بوسینیا حقوق کرکی داده خواهد شد

§ حکومت عثمانی بکمیسیون خاصیکه برای تعیین مسئله با خارجه و داخله منعقد شده در ضمن رویداد این نیز پیش شده که برای ترتیب فئون بری و بگری افسران آلمان و انگلیسی مقرر شود. و نیز خبر داده اند که با بلغار مصالحت بنوع خوبی خواهد شد -

در باره کربت اظهار شده بود که حل این مسئله بسته به تأیید دول اروپاست و آنها نگران حقوق عثمانی خواهند بود. در آخر راپورت مرقوم بود که دولت در ترقی مشروطیت کوشان است و برای بقای اتحاد دول اروپا با تخصص با دولت انگلیس سعی میباید

§ لاردر کردن با همراهین خود در (بولووی او) رسیده دختر لاردر موصوف چهار است

§ ۱۰ افسران ترکی که در آنها ملک اربیران سلطان هم شامل بود بدسته جهازات امریکا در دریای مدیتره شرکت نموده و به جهت آنها برای تمام بگری به امریکا خواهند رفت

§ تلگرافاً خبر رسیده که تدارک می شود افسران فکری انگلیسی و فرانسوی و ایتالیایی مقدونیا برای

نظم افواج ولایت های دیگر مستخدم خواهند شد

§ در ویانه بیان میشود هرگاه شورای دولتی امضا دارد دولت فرانسه وعده کرده که در میان (آستریا و سرویا) ثالث شود

§ در هنگری از ترکیدن معدن زغال (ویسپریم) ۵۶ نفر هلاک شده اند

§ در مجلس ملی فرانسه (مسیو جوریس) بر مسئله (مراکو) شروع به مباحثه نمود و الزم بر دولت فرانسه وارد آورد. که نیت دولت بر تسخیر (مراکو) است. در مجلس طرفداری دولت (۴۸۰) رأی مقابل (۹۸) رأی داده شد. حد از آن قبول ادای يك میلیون لیرا جهت مصارف فئون (مراکو) امضا یافت

§ عووض تلگراف (مستر روزیوات) حکومت (کالیفورنیا) بحث در قانون عدم دخول ژاپونیان را تا ورود خط رئیس جمهوری تعطیل نمود. چه ز عنوان قانون مذکور بسیار رنجیده خاطر شده که نتیجه اجرای قانون مذکور بر مادی (کالیفورنیا) و نفس در اتحاد با ژاپون است -

§ در (اسپارنا) زلزله شدید شده - (در نوشیا) چند همارت خراب و ۴ نفر هلاک شده اند. در (میسینیا و ریگیو) زلزله هر روزه احساس می شود چنانچه بعضی ایام دو دفعه هم شده است هوا در کمال برودت و برف نیز می بارد -

§ حکومت (لایبریا) خواهش دارد سکه دولت آلمان عذر بخواهد. چه جهاز آلمان بر (لاردر) کشتی کرک (لایبریا) شلیک نموده است -

§ اهالی (برلین) از این امر زیاد حورسند اند که وقتیکه پادشاه انگلستان وارد (برلین) می شود اداره بدهیه معظمه را دعوت خواهد نمود. این دعوت در هوش دعوتی است که در لندن از امپراطور نموده بودند - تدارک شایان جهت این دعوت دیده شده و خود امپراطور شخصاً در انتظام آن شرکت دارد -

§ خبر (ردتر) از (هانکا تنگ) خبر میدهد که افسر فئون ساحلوی چین بر چهار خنکی انگلیس (جلیو) در بندر (سان شون) دوبار تابلک نمود (لیوین) کپتان جهاز مذکور شخصاً به بولور گرفت آن افسر را گرفتار نمود. و ربورت واقعه را بفرست

جنرال انگلیس مقیم (کنتان) داد

§ بین دولتین (آستریا) و عثمانی در مسوده مصالحه نامه منجمه اصول مسطوره فصلی نیز درباره حفظ حقوق مساک و مذهبی و پلنکی مسلمانان (بوسینیا و هرزیگوینیا) شامل است، و مسلمانان آنجا را حق رجعت به مملکت عثمانی و اجاره املاک خواهد بود. و در ممالک عثمانی بستخانجات (آستریا و هنگری) منسوخ خواهد شد، و یک عهد نامه درباره تجارت (آستریا) و عثمانی امضا خواهد یافت

§ باجسالی به افسران گمرکات حکم داده که فوری انتظام شود که رفع ترك استعمال اشیا و اجناس وارده از (آستریا و بلغاریا) به شود، چه کاملاً ندارد مصالحه با دولت (آستریا) دیده شده و نیز تصفیه یافته که با حکومت (بلغار) هم اتصال مناقشات بشود

§ تلگرافی از (بلگرید) رسیده که وزیر جنگ سرداران لشکری را که در اطراف هستند حکم رجعت در (بلگرید) داده تا در شورای لشکری شرکت نمایند § در (فوسیا) بسبب زلزله نقصان زیاد رسیده. و ۵ نفر ملامت شده اند

§ باجسالی در سدد تشکیل یک کمیسیون میباشد که مناقشه که بین عثمانی و یونان در بیت المقدس شده ندارد نباید - حالت بیت المقدس بسیار نازک شده خاصه از معزولی (دامبانو) کشیش آنجا

§ از (اسپارنا) تلگرافی رسیده که در زلزله (فوسیا) (۳۰۰) هزارت ملشقی و مهدم و اتلاف فوس زیاد هم شده است، والی (اسپارنا) تلگرافاً اطلاع داده که (۶۷۹) مکان مهدم گشته و تا کنون زلزله جاری است و مردم فرار میکنند، وزیر داخله امداد میفرستد، مجدد یک نفر را از خرابه های (میسینیا) زنده بیرون آوردند § بهیبت پادشاه انگلستان در مسافرت (برلن) اشخاص ذیل هم خواهند بود (لارد کروی - لارد الهورپ - لارد گرینم - امیر البحر بوسن کویت - سرچارلس هاردینگ)

§ مخبر (روتر) را خبر رسیده که عدّه قشون (سومالی لند) (۱۶۰۰) قرار یافته - و برهده محافظین این ساحل الی (پوراو) از همین قشون گذارده خواهد شد، فعلاً اراده پیش قدمی به بالای (پوراو)

نیست - فرض اصلی از این اضافه نمودن قشون دفاع از حملات ناگهانی دشمن است

§ کشتی توپخانه کورک (لایریا) بر (لارک) جهاز آلمانی شلیک کرده چه جهاز مذکور پای بندی به قانون کورک می نمود - جهاز ساحلو آلمان از (کارولس) بسمت (لایریا) رهسپار گردید

§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که (سرجان جاردن - و مستر روکهل) سفرای دولتین انگلیس و امریکا بحسب تعالیم دولتین مذبوعه خود به دولت چین شکایت از منزل (یانشی کاسه) نموده سفرای سایر دول شرکت در این شکایت نه کرده اند - § همه وجوه امانه مصیبت زدگان زلزله (ایتالیا) قرب (۱۰۰۰۰۰) لیرا در لندن جمع شده است

§ بازم از خرابه (میسینیا) یک پسر و دو دختر زنده بیرون آمده است

§ دولت امریکا و (وینزولا) جهت تعیین مستعمرات خودشان به کانفرانس (هیگ) ترضیه داده که رجوع نمایند -

§ جهاز جنگی (والتر) فرانک از قبیل (دردنات) که دارای (۱۸۰۰۰) تن است امروز در (تولون) بآب انداخته شد

§ در (پترسبورگ) باز مرض وبا شیوع یافته است § مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که (پرنس چینگ) با (سرجان جاردن - و مستر روکهل) ملاقات کرده و مطمئن نموده که معزولی (یانشی کای) بهیچوجه مورت تغییر و تبدیل مسلک دولت چین نخواهد شد

§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که ونجشی که دول اروپا را از معزولی (یانشی کای) پیش آمده از اقرار و اطمینان دادن (پرنس چینگ) رفع شده است نایب السلطنه (پرنس چینگ) را ترضیب داده که (شک شیوانی) را مستقر بر منصب خود بخارد -

§ در (میسینیا) هر روز زلزله می شود ولی مردم رفته رفته همت پیدا کرده و آب حبال مشغول آبادی هستند

§ در پروگرام سیاحت اعلیحضرت (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان ملاحظه سان قشونی مرقوم نیست -

§ (نوردیت شی) روز نامه رسی (برلن) می نویسد که این سفر و سیاحت پادشاه انگلستان اتحاد دولتهین انگلیس و آلمان را ترقی حوآمد داد، استحکام اتحاد دولتهین از کارروائی بالاشترک قشونی آنها مشهود است

§ (اعلیحضرت آبرت) پادشاه (پلویک) در اپریل به (کانکو) رفته سه ماه توقف خواهند نمود

§ حکومت (بنقار) از بابسالی خواست نموده که در نتیجه راه آهن و الحاق (رومیایا) ی شرق هشتاد و دو میلیون فرانک ناون بگیرد، در (سوفیا) ر این رأی نکته چینی زیاد می شود، چه حالت مالیه (بنقار) خوب نیست

§ تمام دول اروپا از حکومت (بنقار) خواست کرده اند که خساره که به بابسالی میخواستند بدهد زیاد نماید تا زود تصفیه بشود، و نیز از بابسالی خواست نموده اند که نظر مصالحت و مسالمت در این امر کارروائی کند، گمان غالب این است که حکومت (بنقار) در مزید نمودن توان آماده است در صورتیکه دول اروپا ساهی شود که از بانک هاسیه شرقی مبنای باو قرض داده شود

§ (مسترووت) از جانب اهالی (نیو یارک) در مجلس ملی امریکا به عضویت منتخب گردید

§ حسب الحواش (مستروویوت و مسترگیلیت) بحث بر قانون عدم ورود ژاپوبیان تا یک هفته ملتوی شد

§ (مسیورگنوت) سفیر دولت فرانسه از (ناجی) در (فیض) رهسپار شده بجهت امری خاص نزد اعلیحضرت (مولی حفیظ) رفته است

§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که اداره مخبرات چین بضاعت تلگراف خارجات قرض کرده بود از این رو سفرای دول اروپا شکایت نموده اند که در ادارجات تلگرافی (پکن و تانتسن) از خارجه باطرمقرر شود

§ از این امر که باسالی ما (آستریا) مصالحه کرده حکومت (مونی نگر) تعجب و نا امید می نماید نموده و اظهار داشته که اهالی (مونی نگر) به شهادت بهتر از این تصفیه می توانستند کرد

دولتهین روس و انگلیس دواوران (ترجه از جرائد خارجه)

§ مذاکرات هیئت وکلای روس در باب اصلاحات ایران به بعد از آغاز سال جدید مسیعی تعلیق یافته است،

§ شایعاتی که در خصوص قرض دادن روس بشاه دورانس یافته بود رسماً تکذیب شده، و سبب این شایعات پیشتر آمدن علاه لملک و پترسبرگ بوده باسم تعزیت بمقام امپراطوری، اگر علاه لملک برای پول هم نیامده باشد باز یک مأموریت خصوصی دانشش هم می

بلکه قطعی است

§ برای مذاکره حالات ابران در وزارت خارجه روس هیئت وکلا تکراراً عقد اجتهاع نموده، از منبع موثق خبر رسیده که در این اجتهاع وزارت خارجه، حربه، طایه، تجارت و بحریه، تماماً هم آهنگ شده و در حرکات و اقدامات خود تعاطی امکار نموده اند معلوم میشود که تا حال عموم دواور دولتی روس در این خصوص اتفاق نامه نداشته و این سبب هم در منافع روس و هم در ائتلاف با انگلیس اخلال روی میدهد، مسیو (هارتویک) سفیر سابق طهران و پورنی که ترتیب داده بود در تأمین اجرای اصلاحات ایران صورت نموده را کافل بوده است

§ شورش حاضره ایران را موقتی و طاری میتوان گفت، بلکه حالت مزمن و مدهشی کس کرده برای تطبیق اصلاحات مطلوبه اتخاذ تدبیر با اساسی لازم است باینجهت است که عملی وکلا با تمام دواور حکومتی هم آهنگ شده متفقاً مذاکره شروع نموده اند، در نتیجه مذاکره تفصیلات لازمه دادن ممکن نیست، ولی همبقتدر شدیداً و قطعاً قبل از شروع بتثبات، تأمین ائتلاف با انگلیس خواهد شد، چون تجارت روس آن قدرها متأثر نشده و هنوز کاروان در کمال آرازی در ایران حرکت میکنند، و مذاکرات دومای روس هم در ایران تأثیر خوبی نموده و در سمت شمال اوضاع تبدیله کلی شروع کرده، و به نتیجه روس جا و مالاً برض بزرگی وقع شده است، لذا قبل از مداخله بکارهای داخلی ایران در صورت قطعی و شدید یکدفعه دیگر با انگلیس ها تعاطی فکار از واجبات است، بلکه خطرات صالح پرورانه این دو دولت که این دفعه وقوع خواهد یافت بحکومت ایران نتیجه خن منحصربه احتیاج بمداخله فمایه اشود

§ صباح مینویسد پلنیک دولت روس در راه پیدا کردن بدریاهای بزرگ که عصرها در این آرزوست! و خود ضربه های شدیدی خورده باز به پیشرفت آن مشغول، و امروز اخیال مطرف ایران است (اسوالسی) در دوما علی الظاهر استلال ایران را خواسته، ولی در ضمن اشاره میکند که تجارت ما در ایران بمخطر افتاده در انتظامات سرینه آن وصایای جدی مینماید، این امر دلیل روشن است که روس درباره ایران در چه خیال قدم بر می دارد، اشتراک (مسیو هارتویک) سفیر ایران در مذاکرات وکلا این خیالات را تأیید میکند، اصلاحاتی که درباره ایران مذاکره میشود باید بر مالیه و تأمین برای تأدیة قروض خارجه است، از حالا در محافل رسمی روس گفتگوست که این اصلاحات بدون مداخله

مسلمه از محلات است و پس اگر لازم شود قشون روس آذربایجان را اشغال خواهد کرد و استرضای خاطر انگلیس هم در معاهده سال (۱۹۰۷) عمل آمده است. این را هم باید ملاحظه شد که دولت انگلیس بعد از عاریت ژبون و روس حرکت روس در جنوب شرقی ابداً اهمیت میدهد. لذا بهانه مداخله را در هر وقت روس میتواند پیدا نماید. قزاق های لیاکوف که محافظ مخصوص شاهان برای پناه حوثیترین اسباب خواهند شد

§ طمس لندن مینویسد - نظر باشعار مخبر عالی مخصوص ما دولت روس با موافقت تامه دولت انگلیس به بعضی مداخلتها در امور داخله ایران قرار قطعی داده و آنها توسطه وفا نکردن شاه است بوعده های ششماهه خود و حرکت روس در این راه بسته بقرار داد هیئت است که در تحت ریاست مسیو (استولین) مجتمع خواهد شد و رپورت مسیو (سارتویک) را هم که با مأموریت مخصوص بطهران فرستاده شده بود در این مجلس خواهند خواند در هر صورت از نتیجه این مداخله اداره داخلی و مالیه ایران اصلاح خواهد شد و یک پروگرام اصلاحات عمومی هم ترتیب خواهند داد. در بولاندن این اصلاحات دربار ایران خیلی اسباب تضییق شاه خواهد گردید. برتر ز همه چیز ترتیب بودجه ایران است چه با واردات غیر منظم حالیه مأمورین حکومت منظم آموش دادن بحال و غیر ممکن میباشد. اینست که بطور صحیح مأمورین هم بوظیفه خود میتوانند عمل نمایند

حالات عملی ایران هیچ تغییر نکرده بسیاری از نخبان را شاه گرفته شدت تمام جز میدهد و جریمه میکشد

§ نظر نخبه های پتربورخ دولت انگلیس و روس متفقاً بشاه رجوع کرده اصلاحات امور مالیه و مالیه را حدا طلب نموده اند. وزرا در پتربورخ عقد اجتهامی نموده در باب ایران مذاکرات زیاد کرده اند

§ نظر نشایات پترزبرگ رئیس طرفدارن مشروطیت ایران بجهت طلب حماه احرار از انگلیس و روس وارد پترزبرگ شده است

لاستان

وقایع نگار اداره

(۲۸ ذیحجه)

سابق از اوضاع لاستان و پیشرفت کار مشروطیتین نگاشته بود از آن پس به بعد واقعه امی پیش نیامده. حضرت حجة الاسلام آقای حاجی سید عبدالحسین که زینده است خواجه نصیرالدین طوسی این عصرش گواهی بانجمن ولایتی حکم فرموده اند که از روی

اعتدال و مساوات مالیات را از رعایا وصول و در بیت المال جمع نموده صرف مجاهدین و خرید اسلحه و غیره نمایند. مجاهدین رسماً اساسی خود را در دفتر لشکری نوشته تحت سلاح می آیند و عده بسیار مستثنائی تا کنور تحت سلاح آمده و رسماً تشکیل اردو های متعدد بی ار پیمان و سواره نموده اند و برای هر اردو سرداری معین گردیده قوای مجاهدین لاستان از مدافعه گذشته اقدام بمساجه نموده اند و چنان تدارک دیده شده که قبل از ورود تمام خلیج و شیراز و ابر شهر های خطه فارس را تحت لوای مشروطیت آرند مشروطیت در تمام گرمسیرات فصح گرفته. تمام برادران ملت و جماعت نیز با اختیار و رغبت خود تحت لوای مشروطیت در آمده مخانی درین نواح باقی نموده انجمن ولایتی حسب الامر حضرت مستطاب آقا علوان ذیل را مسوده نموده که بتوسط سفرای طهران به تمام دول پیش نمایند

سورت یاد داشتی است که انجمن ولایتی (لاستان) توسط سفارت برای عثمانی سفرای (دول انگلیس - روس - آلمان - فرانس) (اطریش - امریکا - مولاند - و بلژیک) (تقدیم می نمایند)

بر جناب عالی پوشیده نیست که دولت ایران در زمان مظفرالدین شاه مرحوم مشروطه گردید و ملت ایران سلطنت جانشین او را مشروطیت گردن نهاد پادشاه کنونی بعد از تحلیف بکتاب آمان و امضای مشروطیت بنای مخالفت با حریت خواهان نهاد بارما قسم خورد و شکست مکرر عهد بست و وقایع نمود. تا در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ من غیر حق برخلاف قانون مجلس شورای ملی را با توب خراب کرد و وکلا و احرار را کشت و بست و حبس کرد و پراکنده ساخت و امم این حرکات ظالمانه را انفصال پارلمان برای سه ماه گذارد تا این همه حرکات وحشیانه غیر قانونی ملت نجیب اصیل ایران با از جاده اعتدال بیرون نهاده سکوت را پیشه کرد. بدبختانه بدین عهد هم وقایع نموده بخند و حیل خواست که مشروطیت ثابت مشروعیت را باطل نماید درین دفعه تاب و توان ملت تمام شده رسماً به احقاق حقوق خود برخاسته اند لذا رسماً اطلاع میدهم تا دشمنان حریت نتوانند طرا نام یعنی سلطنت شهرت دهند ما بر حسب احکام حجج اسلامیه و رؤسای روحانی مذهب خود سر از اطاعت سلطنت ننشیده کشیده ایم و باکمال مراقبت نزکت بیرون المالی را حفظ کرده و من بعد هم خواهیم کرد و این شاه و نایبین او را جز بیک جامعه قطاع الطریق نمی شناسیم. نه حکم او را نافذ میدانیم و نه استقراض و معاوضه و امتیازاتی که

و قورخانه بدست آمد واقفاً امروز عید است و شکر می کنم خداوند را که در جنوب ایران اقدام از لارستان شده بمیدام حضرات شیرازی و بوشهری ها حفته اند یا نکلی رهسپار دیار عدم گردیده اند حضرت حجة الاسلام تعالیة بجناب آقا شیخ علی مرقوم فرموده و تهدید بنایب الحکومة عباسی کرده اند، البته در محضر جناب شیخ فرات می شود و جناب عالی هم مسبقاً خواهد گردید، فرمودن کردم اول خط عرض کم از ملتبان در آن سنگ فقط چهار نفر برحت از وی پیوست فلا سالار السلطان پسر بزرگ قوام در داراب و اطرافش محاصره است، سوله الدوله قشغانی راه ها را بسته که کسی بکمک پسر قوام نیاید انجمن ولایتی در کمال قدرت مشغول است انجمن مجاهدین هم تشکیل، خداوند نصرت به ملتبان مرحومه فرماید عنقریب اردوی ملی بجناب شیراز حرکت خواهد کرد ریاضه زحمت نیست

مکتوب از عراق

بمخاطبه که امروره درین قبه لاسلام قسمی مستبدین نظر بسوه بیات خود خوار و زبون شده اند که ما فوق آن مقصود نیست، جناب (زبایک) برای تشکیل انجمنهای علی در عراق آمده اند مشروطین عثمانی و ایرانی را روحی تازه برقلب رسیده در کربلا انجمن ایرانیان را که جنیدی قبل تشکیل و بشیطنت مستبدین بیرونق بود در منزل جناب مستطاب حاجی آقا شیرازی سلمه الله تعالی که علاوه بر مقاطعات علمیه باید همدار مشروطین ایرانیان در این راه مقدسه گفت در حالتیکه جمیع وجه اعیان از عثمانی و ایران و عرب بالغ بر چند هزار نفر حاضر بودند عدد تشکیل شده برق مشروطیت شری و خورشید و ماه و ستاره بر افراشته و نطقهای بلوغ و قصاد همراه قرأت و شری و شعرینی هم صرف شد و الحقی مجلسی شد که در کربلا این شکوه کمتر مجلسی شده بود لطف این بود که خلوت اسلامی مترشح و اقوام مختلف مانند شیر و شکر در هم آمیخته بودند

سپس جناب زبایک روایت نجف اشرف گردید در آنجا هم انجمن ایرانیان و مشروطین ایرانی را خلق قوت دادند

حوزه مقدس علمیه نجف اشرف که اعضایش غالب از طراز دم علمای اعلام میباشند درین طویل زمان خدماتی با اعلام و اسلامیان نموده و می نمایند که مافوق تصور و بیان است شرح اقدامات شرح رسداه ایشان را من بعد عرض خواهد نمود

ایرانیان عراقی عرب برسدل هموم مصمم شده اند که نایندگان محمد علی میرزا باهویت را نشانند، و اگر آنها را

از بخارجه و داخله دهد تسلیم خواهیم نمود، مال و جان رعایای خارجه کاشا من کان از طرف ملت محفوظ است، فقط دولتبان در صدد اختلال امنیت و پناه خارجه در مداخلت با امور داخله میباشند عقاب اعلام می نیایم که حق خارجه درین موقع جز این نیست که در سایه حایه از ملت حقوق تجارتی و سیاسی خویش را حفظ نمایند، ملت هرگز رضا نتواند داد که بهایه که دولتبان بدست خارجه میدهند در مملکت که حقوق ملیه ما بر آنها ثابت است هیچگونه تصرف نمایند

بلی هرگاه بعد از حایه از ملت حقوق رعایای آنها ضایع گردید ملت مورد توجیح و سرزنش تواند گردید هیچ دولت حق آن را ندارد که باسم اتلافات حقوق رعایای شان در گمرک و پست و تلگراف و سایر عایدات طایفه مملکت تصرفی نماید و حواله قبول کند مستندی هستیم که این بیان نامه را بطور یاد داشت مخصوص بدوات متبوعه خود تقدیم نمایند (انجمن ولایتی لارستان)

سواد خط یک نفر تاجر

که یک نفر از دوستان خود از لارستان نوشته

فدایت شوم - ایندو که را محض تبریک و چشم روشنی عرض می کنم که بتوفیق امام عصر مجله فرجه و همت حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای حاجی سید عبدالحسین لاری در یک روز هفتاد نفر از مستبدین بدرک واصل شدند - این هفتاد نفر چهارده نفر آنها حاجی علیقلی خان و شش پسرش که هر یک رسم دستای بودند و برادر زاده هایش و باقی از سرکردگان حکومت لارستان بودند، نخواهم قدرت این حاجی علی قلی خان را عرض کنم که کتاب می نمود همین قدر عرض میکنم قدرت حاجی علی قلیخان دو حکومت لارستان وسیع و کوهستان را بد بر قدرت قوام الملک و پسرانش در شیراز و اطراف شیراز بوده قرب بانصد هزار تومان سکه قره بقر از اشرفی و طلا آلات و احسان ز خانه شخصی حاجی علی قلیخان بیرون آوردند استغاه خانه پسرانش که همین قدرها نیز میشد حضرت حجة الاسلام تمام آنها را تقسیم محضرات فکجهیها و اشکر فرمودند دویت خروار گندم شخصی حاجی علی قلی خان بدست مجاهدین افتاد و همه روزه بر لشکرکشان سید افزوده می شود قلعه (پروژه) که امروز میتوان گفت عالی قلعه (پورت آرهر) میباشد یک حله مجاهدین از دست مستبدین بیرون آمد و تمام جبهه شاه و قورخانه در تصرف مملکت است، دو صد توب سوزی است و قبه توب ها دهن برکن میباشد هزار و دویت لخته فکجه لاری و مکزین و پنج ک فکجه از جبهه شاه

حبل المتین

نبدانم هنوز هم برای توجیح بجهان خجوج شبهه باقی مانده و بلجاحت باقی خواهند بود؟ اگر واقع در دین دارند و فقط از نگارشات حبل المتین برای ایشان اطمینان حاصل می شود، شخصاً از حضرات آیات الله سوال نموده جواب بگیرند، عمل تقلید باز بجهه که نیست، و هرگاه مخالف آنچه ما نوشته ایم جوان یافتند حاضریم در حق سید کاظم آنچه را نوشته ایم تردید نایم، و نه پشت با خود کردن و لایم گفتن جواب عقلانی نیست

اسامی معاونین انجمن بیوکان

(وایتام ایران)

(عطف باسابق)

- آقا سید هاشم صاحب جواهری کلکته ۱۰
- جناب احمد میان قور از بهمنی ۴
- مدیر رساله شیهه از سارن ۶ - ۳
- آقا میرزا محمد ادیب زاده از بوشهر ۱۰
- آقا میرزا محمد حسین ادیب زاده از بوشهر ۰
- از طرف جبهی بی بضاعتان بوشهر ۳۷۰
- بتوسط جناب جعفر افندی از حیدرآباد دکن ۹۷۰
- موجب ذیل
- جناب مستطاب داعی الاسلام ۵۰ روپیه
- جناب نواب سالار جنگ ۰ ۵۰
- جناب معتمد الدوله ۰ ۲۰
- جناب شمس العالی سید علی بلگرامی ۰ ۱۰
- جناب علی ابن کریم ۰ ۱۰
- اسامی سایرین با اداره نویسیده

جمع ۶ ۵۸۱

جمع سابق ۸ ۶۱۷۷

جمع کل ۱۴ ۷۰۱۸

یادگار شهدای وطن

روزنامه صور اسرافیل یادگار شهدای راه آزادی ایران و تأیید نام مدبر شهید سید آن میرزا جهانگیر خان طاب تراه با قلم دبیر سابق جناب میرزا علی اکبر خان با آزادی تام در (ابوردن) سویس طبع میشود طالبین روزنامه با درس ذیل رجوع نمایند

آدرس مکاتب و تلگرافه

Soure Esrafil
Yverdon
Suisse

جداً از سراز خود نراند هیچ گوه رجوعی هم بآنها نخواهند نمود چه بر حسب احکام حضرات آیات الله پیروی و رجوع و دادن طایبات از قبیل تذکره و سایر وجوه بآنها حرام است، گویا تشبیهات لارمه را جعل آورده و یا بیاورند و همأ قریب نتیج آرزو ظاهر خواهد گردید، نماینده تازه بغداد سبلی غیر مال اندیش و هیچ از طاقبت و حکم این مساموریت و حرکات زشت خود سرافه خود واقف نیست

حلوب است جناب عالی «او را بطریق خصوصی یا عمومی فیهانید که زاید بر این خود را لکه دارسارد ویک تلگراف دربار موهوم مفرور شده، و قبیله اند که ابرایان حارجه خاصه در خاک آراد نمایان زبرار استبداد نخواهند رفت، سفیر کبیر را پس از آیکه سفارت نشناسند و قونسلخانه اسلامبول را قبضه نمایند و در روسیه طایبات قونسلخانه را متصرف شوند در بغداد هم زیر کلاه ایشان زدن ابداء دشوار نیست، اگر روزی چند او را مهات داده اند محض اتهام حجت است، و اگر دست از حرکات مستبدانه خود نکشد یقیناً مجبور بفرار شبانه از بغداد خواهد گردید

نماینده جدید بغداد بیشتر بنوای بزیدهای نجف مبرقصد، و هنوز مسافت شده است که عمر بزید و بزیدیان خانه پذیرفته، و نفس آنها با آخر رسیده است بنسازگی از شهر (عماره) تلگرافی در خصوص تقلید سید کاظم یزدی بحضرات آیات الله رسیده همین تلگراف و جواباتی که داده شده محض اینکه تکلیف شرعی مسلمانان پیش از پیش واضح شود برای اشاعه در حبل المتین میفرستیم (اهلک من ملک عن بیة و یحیی من حی عن بیة)

تلگراف عماره - حجج اسلامیه

جریده حبل المتین می نویسد با سر عالی تقلید سید کاظم یزدی جائز نیست تکلیف را اطلاع فرمائید (محمد تقی)

جواب حضرات آیات الله نجف اشرف

تکلیف ماها سکوت است محمد کاظم الطراسانی عداقه المازدرای

جواب حضرت آیه الله آقای صدر

(و سایر آقایان کربلا)

بمد از معلوم شدن حال او درین مدت عملی برای سوال نگذاشت

(اسمعیل الموسیوی - و سایر علمای کربلا)

جبل‌الذین کلکته

دیگل کالج استریت نمبر ۴

Habibul Matine Office
6/11 College St.,
CALCUTTA.

و کلا ذمه دار ابوحجات مشترکین اند

دل ابوه اخبار پیشگی گرفته میشود

قیمت اشتراک

سالانه -- شش ماهه

نامه مقدسه

هند و برمه

۱۲ روپیه -- ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۲۰ قران -- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک -- ۱۶

الذین

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

هر یکشنبه

۲۳ محرم الحرام ۱۳۲۷ هجری

۱۳۱۱

تلاکرافات روز واجع بایران

(۱۵ محرم - ۷ فروردی)

عوجب خبریکه در پترزبرگ اشاعت یافته هیجان عظیمی در شهر مشهد شده و انقلاب در جمیع شهر های خراسان سرایت نامه کرده ، انجمن اباتی مشهد نظام تمام صوة خراسان را بکف خود گرفته ، و قوسلهای دولین روس و انگلیس رسماً اطلاع داده است که در معاملات بین المللی ، الا واسطه رجوع با انجمن اباتی نمایند

جبل‌الذین

روزنامه (پانیر) که یکی از حراند انگلیسی هند و در (اله آباد) اشاعت می شود پس از انتشار این خبر مینویسد ، تصدیق این هیجان جدید خراسان هندوستان رسیده البته شش هفته قبل هیجان در خراسان روی داد ولی بواسطه قوت حکومت که نوبخانه در قبضه او بود مردم آرام گرفتند ، ازین بیان چنان مفهوم می شود که بمقیده (پانیر) این خبر بقرون بصواب نیست ، ولی نظر بخط ۲۶ ذیحجه که وقایع نگار مخصوص جبل‌الذین نوشته نمیتوان تلگراف پترزبرگ را بی اصل گفت ، سکوت اهالی خراسان چنانچه سابق نوشتیم از قوت حکومت نبوده ، حکومت نارسیدن تصدیق ثانوی احکام حصرات آیات الله مهات گرفت آنها بشرایط چند که اول تمام کار های حکومتی با اختیار انجمن اباتی باشد - دوم دیناری مالیات ندهند و - و - و اهالی هم بحکم آقایان محلی ازار ها را باز نزنند ، و ما نظر قرائنی که در دست داریم نمیتوانیم در خبر پترزبرگ شبهه بیاوریم

و ما میتوانیم از روی و توق بگو ایم که بر فرضه اگر امروز وقوع واقعه خراسان محل شبهه باشد قطعاً فردا قطعی خواهد شد چه مواد مادی و معنوی انقلاب خراسان تا جایکه ما اطلاع داریم هر حقه جمع است ، و اگر تا کنون سکوت و آرام باشند محل تعجب است (۱۸ محرم - ۱۰ فروردی)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که انقلاب عظیمی در رشت واقع شد ، اهالی و خلاف دولت مستبد قیام نموده ، حکومت و بسیاری از افسرهای روسی دولت را بقتل رسانیده پستخانه و تلگرافخانه (کوانک) را آتش زده اند ، بارها تمام بند قشون دولت در سفارت خانه روس پناهنده شده اند

در همان تاریخ مجدد مخبر روتر از طهران خبر میدهد که چهار صد سوار با یک مراده توپ بطرف رشت حرکت داده و باز هم قشون به کک آنها فرستاده خواهد شد ، در رشت مساوی مشروطیت حکومت مقرر شده است ، مال و جان رهایای خارجه همه قم محفوظ است تلگراف - بند است

جبل‌الذین

گیلابیان اگر چه در ولی خوب خنیدند آقا بالا خان سردار والی رشت که بسزای اعمال ظالمانه خود رسید شقی ترین رجال دربار و رذیل ترین هسلکار بود مرحوم سید جمال الدین کبیر را به مأموریت او از حضرت عبدالعظیم کشیده و از طهران بدر نمودند درین اواخر هم یعنی در عهد مظفرالدین شاه و امین السلطان مأمور گرفتاری احرار مات هماره او بود منصدی گرفتاری اخوی آقا میرزا سید حسن بعد از سفر اول فرنگ او شد دل تمام احرار از دست وی خون بود ، معلوم است چنین شخص باید درین

دوره استبداد خدمات نمایان نماید و والی ایالتی مانند رشت بشود. و آتش فرودی بیفروزد: خدای ملتیم قهار ولو در گیر است ولی سحت گیر میباشد آری بزرگترین خطای مستبدین تعیین این گونه حکام ظالم در بلاد بود چه تمام مردم متها در حه سفر را ارباشان داشتند حالا هم اگر این واقعات مایه عبرت حکام مستبد سایر بلاد نشود خطی قافل و منور خواهد بود

الجله طالش - و گرگان رود - و گیلان - و مازندران و استرآباد - تمام در قبضه مشروطیین است اخبارات لندن مینویسند که رئیس کل درین ایالات و ولایات حضرت سپهسالار است بن رشت و طهران فقط شهر قزوین باقی مانده. اگر بدقت ملاحظه شود طهران بیک نقشه منوی در دایره مضیق محصور و روز افزون آن دایره و مستبدین شکست می شود نزدیک است طهران در محاصره واهی در آید از یکطرف اصفهان از طرف دیگر خراسان مازندران گیلان استرآباد چه گلی برای مستبدین بار خواهد آورد مطوم و سیاسیون میدانند. فقط چیزی که مستبدین را مهلت داده جلوگیری از مخارات تلگرافی ملی است

اتصال و ارتباط ولایات بیکدیگر نزدیک شده بعد ازین این قوت عظیم هم از مستبدین سلب خواهد شد بعضی از شهرهای گیلان قبل از این واقعه علم خود سری بر افراشته بودند مانند لاهیجان و غیره و تحصن اهالی رشت قوسلخانه غنای این واقعه دهمشنگ را قبل از وقوع میرساید - رفران جبار مستعد می شود که عاهدین غیور حوله رشت کرده آن صفحه را از لوث وجود مستبدین پاک نموده اند رین و بعد اتصال گیلان و طالش و آذربایجان سهل است طالش که خود حزه گیلان است و مازندران و استرآباد نیز متصل بهم است

« ایضاً »

مخبر روتر از پنز-برگ خبر میدهد که بموجب تلگراف تبریز گویا تمام شهر در قبضه قشون رشت است

« جبل اللئین »

تلگراف پنز-برگ در قبضه قشون دولت شهر تبریز را، ادا قابل اعتماد نیست باید گفت قلم در کف دیگر است و این اشاعات را دولتی ها بدین غرض میدهند که ملی سایر ولایات را دهشت و وحشت اندازد و بخیال خود این هم بیک گونه بلبیک است تکذیب این تلگراف را تلگرافات مخصوص اداره مینماید

« تلگراف مخصوص اداره از انجمن »

(سعادت اسلامبول با اداره جبل اللئین)

(۲۳ محرم - ۱۴ فروری)

تلگراف تبریز باین عنوان رسید: یکصد و چهل نفر از استبدادیان مقتول و مغلوباً مراجعت نمودند - ملت غالب انجمن ایالتی »

« ایضاً »

(۲۲ محرم - ۱۴ فروری)

از رننگون - با اداره جبل اللئین - بموجب جواب تلگرافی که از انجمن سعادت اسلامبول من رسیده شهر تبریز در قبضه ملت است

« جبل اللئین »

این تلگرافات در نزد تلگراف پنز-برگ کافی است شك نیست که جنگ بوده و ما از سابق خبردار بودیم این تلگرافات نتیجه جنگ را ظاهر داشت که عبارت از فتح ملت باشد

چون استقامت تبریزیان حالت قیام تمام ایران شده مستبدین چنان تصور می نمایند که اگر بر تبریز غلبه جویند تمام مشروطیین ایران آرام خواهند گرفت. این است که تمام قوای خود را در تبریز جمع نموده در قلع و قمع تبریزیان سعی اند. محمدالله که تا کنون بخیالات خویش نائل شده و اربین و بعد هم شواشد شد، چه تمام ایران قیام نموده و بیک تبریز ده تبریز شده دولتیان را دست و پا کم گردیده تمام قوای خود را باید به طهران برای محافظه خویش بیاورند، امروز موقع آن است که از حضرت صمصام السالطه اصفهان بقصد طهران حرکت مخفیانه نمایند و با سایر دیگر مشروطیین از مدافعه قشون دولتی آسوده شوند بجزدی که چند هزار سوار مختاری طرف طهران حرکت نماید مستبدین مجبور میگرددند که در هر مرتبه که قوتی داشته باشند طرف طهران حجاب نمایند و مشروطیین را بخود ساری و گذرند تا کم زد قطع هجوم کرانند، میتوان این حرکت مذبح دولت را در تبریز آخرین نفس مستبدین بداشت و اربین و بعد قوی استبداد از مهاجمه به مدافعه تزل خواهد نمود. و مشروطیین قسی قوت گرفتند که در حین ضرورت ممکن است بیک قطعه به قطعه دیگر کمک برسانند و این نقش باید بین رؤسای مشروطیین هر قطعه از روی سحت سرتاب شود

(۲۲ محرم - ۱۴ فروری)

روتر از طهران خبر میدهد که از نزد خبر رسیده که صد زن و بچه طاسیان از بیم غارت مختیارها بقوسلخانه انگلس پناهنده شده اند

« جبل اللئین »

ازین تلگراف چنان مستفاد می شود که مختیارها دارند دایره حکومت خود را وسعت میدهند و اینک به نزد رسیده اند امری که مایه تعجب میباشد

این است که زن و بچه فارسبان را کی و بکدام صد پلینکی به پناهندگی قونسلیخانه انگلیس راه نمانی نموده و بدون جهت این مات نجیب را بدام نموده اند این امر مسلم است ~~حکومت~~ بختیارها قارت گر نیستند و بچاره فارسی ها آله خیالات مستبدین شده اند چه دولتبان سعی اند که بختیارهای غیور نجیب متمدن را قارت گر جلوه دهند مسلمانان با خیالاتشان همراهی نکرده فارسها را سنگ روی یخ نموده اند دانایان ما قارسیه راست که جهال قوم را مقننه نمایند و نا خدای ماکرده در آتیه اسباب وخامت ایشان نگردد مادون موضوع انشالله در آینده بحث خواهم نمود اخبارات لندن می نویسد که حضرت مصمص السلطنه لشکر را ~~را~~ تسخیر قم و کاشان هم فرستاده اند و تا آنجا ~~یک~~ قبضه بختیارهاست امن و امان است بختیاران خود را از نزاد سلاطین ساان گفته و سلطنت ایران را حتی موروثی خویش می پندارند و امروز اقوی متمول و متمدن ترین ایلات ایران اند اگر کاشان و قم را محاصره نمایند يك شبه حمله بطهران توانند برد شاه وقت جوانی و سرور نادانی را مخرب خواهد چشید

مکتوب حقیقت اسلوب جنوب

(خلاصه واقعات اصفهان)

ازاله ظالمان و استبدادیان از اصفهان

صد از تامة ۲۳ جمادی الاول که تمام طلبان بصیر و سکوت ایرانیان با چشم حقارت نگریسته، و مرده نمحرکتشان میخواندند و نزدیک بود این اشتباه واقعیت پیدا نماید که شمشیر قهر خداوندی در دست ستارخان پهبسالار علی نمودار شده، در استحصال حقوق خاصه برداشتی ایرانیان را ظاهر ساختند، اهالی جنوب هموماً اصفهان خصوصاً بعد از ششاه تاسی بشال نموده از ظلم و جور حکام مستبده بتنگ آمده حیت جیلی را آشکار نمودند

تفصیل این واقعه از قرار است بعد از آنکه حکومت اصفهان باقبال الدوله کاشی وا گذار شد، و فرمان حلیت جان و مال و عرض و ناموس یکمشت مردمان بیگناه اصفهان از مصدر سلطنت (مشروعاً) باسم وی صادر شد، قبل از ورود خود معدل الممالک را بنایب الحکومه کی فرستاده فوج ملابزم که در هرزه کی و شرارت معروف اند در معیت نایب الحکومه ورود نموده از روز ورود بناسی ظلم و جور را گذاشته خانواده های محترم را بدون جرم و قصیر بخاله نشاند کار مجانی رسید که عتاً سرباز ملابری بازار را قارت و در ملاء ظلم شرب خمر کرده بصمت مزهم دست اندازی میکردند

هرچه علما و آغیان از وضع نایب الحکومه و سربازان مذکور بحکومت شکایت کردند بدتر می شد، و بجهت قارت مردم شخص حکمت فکر نازده ~~ص~~ ده شباه معدل الممالک را نا جوی قزاق بخیر مخانه محترمین ولایت فرستاده بهایه احضار طهرانی و مقصری باسم مشروطه طلبی هرچه داشتند میگرفت و خط آزادی بآن بچاره ما میداد، تا يك از ایام ماه رمضان جوی از سربازها در آنچه مشغول شرب خمر بودند بعضی از طارین بنام ~~نی~~ از ~~منکر~~ آمده خواستند آنها را از آن فعل شلیح بنصیحت مانع گردند حکومت همان نا صحن بیگناه را برده حبس نمود و هرچه علما مقام شفاعت آمدند قبول نکرده بلکه بزحرشان افزود این حرکات اسباب قرت اهالی گردید تا بوم دوشنبه ۴ ذیحجه الحرام مردم بتنگ آمده شروع بستن بازار شد و پیوسته اجتماع در تزیاید بود مردم الحجاج هر چه زیادتز میکردند ستمگری حکومت بیشتر بشدت می آمده، ما چار جوی قونسلیخانه روس و مسجد شاه بناهنده شده حکومت دست باجه گردیده بمصام تلپیس و تدلس آمده خواست داد خواهی این چارگانرا باسم مشروطه طلبی تمام باید و شخص خود را از مسئولیت برهاند این بود که در طی این مدت تحصن هر چه تلکراف متظلماء بطهران بخاره شد تمام اسباب تقویت ظلم های حکومت گردید . . .

روز پشنبه ۷ حکومت بحجج اسلام پیغام داد که اگر مردم را متفرق سازید بموجب حکمی که از طهرانی رسید شوق قهریه خواهم برداخت حجج اسلام متفرق شدن مردم را منوط بزل معدل الممالک قرار دادند و مقبول نیفتاد .

صبح شنبه ۹ بوم صرفه بود مردم برای ادای نذورات و عبادات چون سنوات سابقه در مسجد شاه و مسجد جلو (علی قاپو) مشغول عبادت بودند که يك دفعه فوج ملابری باحت کردن اهالی از عبا و ساعت و هماسه اقدام نموده ظهیری هم يك تبر توب بجهت متفرق ساختن مردم انداخته این هم مفید نشد

چهار ساعت بفرود مانده شایک سختی بمردم فلك زده نمودند آنهایک سلامت مانده راه هزیمت و فرار پیش گرفتند و محده جبهه فرار مردم این بود که ابتدا حاضر به دفاع نه بودند درین شایک حکومت بمسجد و گلدنهما و سردر خلیل نقصان رسید سایر آثار صنوبرها که ظل الساطات محو فقط مسجد شاهی باقی مانده بود که در عدم آهم کوشیدند عصر یکمزار و دو بیست سوار بختیاری بسرکردگی جناب ضرقام السلطنه بمحبات اهل شهر رسیدند و جبهه هتک احترامی که از جانب حکومت باوقالتاسام خان ظلم قعه که از منسویین اهل

خراسان

وفای بکار جبل‌الذین ۲۶ ذیحجه می نویسد

هیجان خراسان که ۱۵ ذی‌قعدة مشروحاً نوشته البته رسیده است. باخلال بعض از خائنین فقط قبول جلد فقره طلبات ملت موقتاً خاتمه یافت. ولی از روی يك نقشه مخصوصی که از اوائل ذیقعدة با يك اصول منقح دانایان ملت شروع بکار نموده اند میتوان بطور قطع دانست که مقارن وصول همین عریضه يك صدای بسیار مهیبی از خراسان بمساع طایمان خواهد رسید. فعلاً نمیتوان گفت که چه نتیجه مخصوص و چه قوای مادی و معنوی و بجه اقدامات دیپلوماتی در تمام رگ و ریشه خراسان دوا دیده شده است که در يك روز کل نقاط خراسان یکبارچه نیران خود نایزیر خواهد شد. مقدمه این مسئله از چهل روز مانظر در (دره جز) شروع شده. استعدادی که فعلاً در این قطعه مهم تهیه شده و روز بروز در تکمیل و تزیین است قدری حواس دولتیان را بریشان ساخته که اغلب نقاط جزو خراسان را ازحالا درحکم مجزی شده میدانند قوای مادی و معنوی که از خارج و داخل به (دره جز) میرسد و رو بلی که مابین نقاط جزه و این قطعه مهم حاصل شده و کسب شدت مینماید يك - بل هیجان و حله مدعنی که بیکبارهگی خاشاک استبداد را ازین سر زمین قلع باید در نظر پارک پیمان جلوه گر است در (دره جز) عده مجاهدین مسلح به اسلحه جدید تا امروز فاتح بر دو هزار است و اتصالاً بواسطه تشویقات مذهبی و قوای عالی برموافقین افزوده میشود از حالا در خراسان (محمد آقا - حسین زاده) سردار مجاهدین (دره جز) را به اسم (ستارخان شرقی) نام میبرند. اهمیت اردوی (دره جز) وقتی جالب توجه عمومی خواهد شد که قوای موهومی استبداد را یکی دوشکست همده برساند فعلاً هیچیک از افواج خراسان برای حرکت بسمت (دره جز) حاضر نشده و صریحاً جواب داده اند که در اینفصل زمستان با این بی پولی و بی استعدادی آنها بجواره و مبالغه بهم منجبان خود نمیتوانیم رفت. والی خراسان سخت مضطرب است. حکومت قوجان و تربت برای مدافعت از خود نوب خواسته و والی بر مشهد میترسد و ازین خوف دارد که حکومتهای قوجان و تربت خود هم بدوایت بر افزاند.

هیجان ملی استرأاه روز بروز کسب اهمیت مینماید دولتیان تاکنون نتوانسته اند بمخبرات و حرفهای تو خالی جلین ملی استرأادیان را فرو نشاند

بختیاری است شده بود بختیاریها را بحرکت و هیجان آورد بمجرد ورود حضرات بختیاری بگرفتن مقام پرداختند حکومت درهای میدان را بسته از سنگرها مشغول دعوا شدند تا سه ساعت از شب گذشته ازار کارزار گرم بود. و همان شب قورحاه تصرف بختیاریها آمد سرمازهای ملاری که طرف مارار را خلوت دیده مشغول تاب شدند. قریب چهارگروم تومان مال مردم بیجا رفت. مستبدین هم هر صدها تنگ دیده شباه قورسولخانه انگلیس پناهنده شده صبح عید هم گاهی از سنگرها اظهار حیاتی می شد عصر روز عید مستبدین بکلی مهزم شده و بکفر اعمال خود رسیده و از صدا افتادند

شب دوازدهم بست و چهار نفر از تبعاع حکومت بجمع آوری اموال منوبه و حساب فرار داشتند که حضرات بختیاری خبردار شده تمام اموال قارن را اخذ و خودشان را حبس کرده صاحبان اموال آمده آنچه حاضر بود دریافت داشتند

روز دوازدهم مشغول استرداد اموال منوبه بودند. عصر همان روز جناب مصمص السلطه وارد و ورود خودشان را رسماً قورسولهای خاچه طرداده امنیت شهر و طرق و شوارع اصفهان را دمه گرفتند و بیدق نصرت در (هل قاپو) اهتزاز آمده میر غضب را بدست آورده باقی مانده قوم ظلمه را هم بمک هلاک انداختند تقریباً بین سیصد و چهارصد نفر از استبدادین در این هنگامه کشته شد و فقط بکنفر ر بختیاریها شهید گردید. محافظین قورسولخانه ها و تبعاع خارجه از سرماز ملاری مبدل به بختیاری شد شهر و اطراف از روز دوازدهم در کمال امنیت و مردم مشغول بکسب خود و بازارها باز شد قورسولها و رئیس بلک شاهی در برداشتن سورت ذخیره و تمهین و باز دید. ضررهای مردم همه جا حضور داشتند چند قطعه عکس هم از چند جانب بازار و شهر برداشتند

از روز چهارشنبه جناب مصمص السلطه در عمارت حکومتی مشغول رتق و رتق ولایت هستند. همان روز حجج اسلامیه را احضار متنگرامخانه کرده از طهران سه چیز را خواسته بودند. اولاً اسکات مردم. ثانیاً بیرون کردن بختیاری. ثالثاً امنیت شهر حجج اسلام اولی را قبول و از دو فقره اخیر استکفاف نمودند در روز جلوس جناب مصمص السلطه بمسند حکومت مشروطه اولین نطقی که فرمود این بود من پنج پسر و شهید دارم و آنها را در مهیت خود آورده که در راه آزادی ملت و حفظ استقلال وطن خود شار نیام و تا جان دریدن دارم احکام حجج اسلام را بپهرض اجرا خواهم گذاشت

احتجاجات با اعلیحضرت

۱۸ جنوری ۱۹۰۹

اعلیحضرتنا - حوائی ، لجاجت ، تغافل ، حدی دارد ! احس حیوانات قوه ادراک و تمیز حیر از شر ، و تقع از ضرر دارند ، اعلیحضرت را چه شده که اینهمه جد و جهد در ویرانی استقلال ایران ، و حواری ساختن تاج و تخت کیان داری ، و در بر انداختن دودمان قاجار میکوشی ! سر از درجه اطاق که نفس حیوان بصورت انسان و ارزل و احس مردمان و تصلیف حیوانان طهران هوایش را مشحون از جهل و غفلت و بیست ممتی و زن صفتی مکرده بیرون آر ، سر و کله را از هوای پاک تر و تازه نما ، و به دیده عبرت و دقت اوضاع عالم نظاره فرما ، در حال آئینه خود و ایران تأمل فرما ، و بقدریک ساعت بخلاف طاعت دیرین با شخص بیفرض مطلع عالم با کله مشاورت فرما ، صلاح حال شخص خود را (ایران بیهم) مورد تمق و گفتگو ساز ، آنوقت معاینه خواهی نمود چه خطبهای بزرگ ، و خطاهایی سترگ کرده ، و چه صدمات و خرابیهای هولناک برای آئینه خود ایبار فرموده ! ! اگر در طهران کسی را نداری یا حرأت حق گوئی در کسی باقی نمانده ، از این راه دور من که یکی از اولاد ایران و جز عظمت و استقلال ایران بیج فرض و مرضی ندارم ، حاضریم با همه یأس صایح خالصه و نتایج زحمات و اطلاعات چندین ساله خود را عرضه حضرتت سازم ! هر ذی حسی قبل از آنکه اقدامی نماید ، فح و ضرر آن را قدر عقل و فهم خود مطلع نظر مینماید ! خوب اعلیحضرتنا ، در این سبک و پلنیک که پیش گرفته چه قاعده جانی و مالی و اقتضاری برای شخص خود و ملک خود و استقلال سلطنت خود دیده و تصور فرموده ؟ متقی بست رزل جامل بی منز گوش بر بی شرفی را دور خود جمع نمودن و با فحش از رطایب در جنگ بودن و قسمت دیگر را در شکنجه کشیدن ، و همه را امیر بویان کردن ، و با خبر نگار روزنامهها ملاقات کردن ، و دول همسایه بزرگ را از خود مابوس و منفور داشتن ، کمان میکنی مملکت داری و سلطنت میشود کرد ؟ ذمی تصور باطل ، خلی خبیال

حال ۱۱

قاید عمده بی آدم تمیق در حال پیشینان و استطلاع و تأمل راوضع و وقومات عصر خود است ! هیچ مملکتی بوده در کره ارض که رشته استقلالش از وجود یکی از این خطبهای پلنیک از هم نکسیخته ، و هیچ ملک و سلطنتی در عالم امروز موجود است که ناپ یکی از خطاهای وی اساس کارهای اعلیحضرت را بیاورد ؟ حاشا و کلا ؟

نقل بید مشک و ملک باجیک

اعلیحضرتنا - اگر شایده که ناصرالدین شاه مرحوم گفته بوده است ، بوزیریک نقل بید مشک را از ملک بلجیک تمیز بدهد ، نگار من نمیخورد ، بعد از آنی بوده است که شصت سال از عمرش گذشته بود ، و یسقی و بلندیها در سلطنت دیده ، و در مصاحبت مردمان بزرگ مانند امیر کبیر و میرزا حسینخان سپهسالار و غیره و غیره بر برده ، و حدود از اشخاص نمره اول ایران بود ، و خود را از صایح مشورت این و آن مستقی میشمرد و وزراء را آلت و ماشین اجرای خیالات و پلنیک خود تصور میکرد ، با همه این حال هرگز اشخاص کالاهام بلهم اضل را مورد مشورتی مخصوص خود نمیداشت ، جز اشخاص مدر نیز موش مطلع را طرف اسرار بزرگ دواتی نمیکرد ، همیشه یک دو عری مانند امیر کبیر ، و میرزا حسینخان ، و ملکم خان ، و امین اللهوله ، یا اقلأ امیرالسلطان و . . . را داشت ، و حقا را برای اوقات و کارهای مخصوص نگه میداشت

و انگهی آن ایام گذشت ، آن سبب بشکست و آن بیچاره ریخت ، روم و روس که از چهار جهت همسایه ایران بودند خود سر ، سلسله استبداد و بیداد بشمار میرفتند ، علم و تربیت در بین طامه اهالی اند و شکست کیسب و در ایران حکم سببرغ و کیمیا داشت ، با اینهمه مساعدتهای روزگار ناصرالدین شاه ، از تعاقب پلنیکهای سخیف خود چه بهره از قیادت سلطنتی و شاهنشاهی جز شهوت وانی چند روزه برد ! و چه زهرها و حواریها از دول روم و روس و انگلیس محض مسلم داشتن لغت حیوانی منجمل شد ! جرأت هیچ اقدامی جز باسر و رضای روس داشت ، و زهره